BIBLIOTHECA INDICA

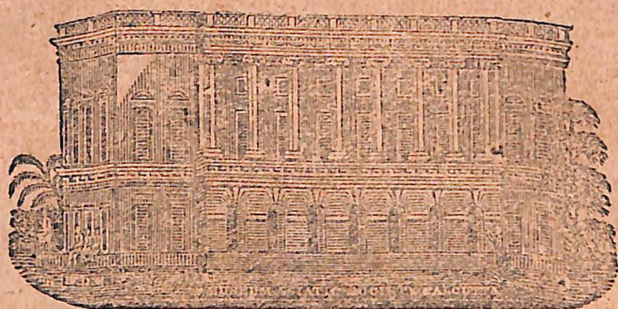
A

COLLECTION OF ORIENTAL WORKS

PUBLISHED UNDER THE SUPERINTENDENCE OF THE

ASIATIC SOCIETY OF BENGAL.

New Series No, 165.



THE MUNTAKHAB AL-LUBÁB

OF

KHÁFÍ KHÁN.

EDITED BY

MAULAVÍ KABÍR AL-DÍN AHMAD.

PART I.

FASCICULUS VIII.

PRINTED AT THE COLLEGE PRESS.
CALCUTTA:
1869.

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

BIBLIOTHECA INDICA

A

COLLECTION OF ORIENTAL WORKS

PUBLISHED UNDER THE SUPERINTENDENCE OF THE

ASIATIC SOCIETY OF BENGAL.



THE
MUNTAKHAB AL-LUBÁB
OF
KHÁFÍ KHAN.

EDITED BY

MAULAVÍ KABÍR AL-DÍN AHMAD.

PART I

PRINTED AT THE COLLEGE PRESS.

CALCUTTA:

1869

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

MEMO.

The Preface to this work including a brief sketch, of the Author's life, and some notice of his History will appear in the end of 2nd part.

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

حصه اول

منتخب اللباب

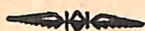
تصنیف

محمد هاشم خان المخاطب به خافي خان نظام الملکي

در

احوال سلاطین تیموریه که در هندوستان

سلطنت کردند



باهتمام

اشیاتک سوسیتي بنگاله

بتصحیح

مولوي کبیرالدین احمد و مولوي غلام قادر

در

کالج پریس

بکارپردازی منشي کرامت حسین طبع شد



کلکته سنه ۱۸۶۹ ع

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri



CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

فهرست حصهٔ اول کتاب منتخب اللباب

حمد و نعت ۱
دیباچه .. .. ایضا
مقدمه در ذکر نسب سلاطین تیموریه ۲
ذکر مغل خان ۴
ذکر ملکهٔ النقوا و شیوع آفتاب پرستی در ترکان ۷
ذکر چینگیز خان ۹
ذکر امیر تیمور صاحب قران ۱۳
ذکر اولاد تیمور ۱۶
ذکر سلطنت فردوس مکانی محمد بابر پادشاه ۲۱
ذکر وفات مهرنگار خانم مادر محمد بابر پادشاه ۳۵
ذکر تولد شاهزاده همایون ۳۷
ذکر لشکرکشی بابر بادشاه بر هندوستان ۴۵
حملهٔ اول و دوم وسوم بر هند ۴۶
حملهٔ چهارم بر هند ۴۷

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

حملهٔ پنجم و مصاف کردن با ابراهیم لودی ۴۹
ذکر فتح دهلی و کشته شدن ابراهیم شاه ۵۲
جنگ کردن بابر شاه با رانای سانکا و راجهٔ چتور ۵۴
ذکر آمدن خواند میر صاحب حبیب السیر در هند .. ۶۴
ذکر وفات بابر بادشاه .. .. ایضا
ذکر سلطنت محمد همایون بادشاه از اول جلوس تا رفتن ایران
نزد شاه طهماسب صفوی از تسلط شیرخان افغان و
مراجعت نمودن بحصول مقصود ۷۰
کیفیت محاربهٔ همایون شاه با سلطان بهادر گجراتی .. ۷۲
فوج کشی همایون شاه بر بنگاله ۸۰
ذکر سلطنت فرید خان سور که آخر مخاطب بشیر شاه شد ۸۷
جنگ کردن شیر شاه با راجه مالدیو راجه مارواړ ۱۰۰
لشکر کشی شیر شاه بر قلعهٔ چتور و وفات شیر شاه .. ۱۰۱
ذکر سلطنت اسلام شاه عرف سلیم شاه ۱۰۳
ذکر سلطنت مبارز خان عادلشاه عرف عدلی ۱۰۷
ذکر سلطنت سکندر شاه سور ۱۱۳
ذکر متوجه شدن محمد همایون بادشاه بعد از هزیمت یافتن
از افغانان از نفاق انگریزی برادران و رفتن طرف ایران
نزد زبدهٔ دودمان مصطفوی شاه طهماسپ صفوی ۱۱۵
ذکر مراجعت همان بادشاه طرف هندوستان و گرفتن ان از
دست افغانان ۱۲۲
ذکر سلطنت محمد اکبر بادشاه ۱۲۷

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

قصهٔ شاهم بیگ وخان زمان ۱۴۸
فتح گوالیار ۱۴۲
فتح مالوه ۱۵۲
فرستادن اکبر بادشاه خانزمان و بهادر خان را بر شیر خان
پسر عدلی و شکست یافتن شیر خان ۱۵۴
ذکر دستور العمل تودرمل ۱۵۵
مناکحت اکبر بادشاه بادختر راجه بهاریمل ۱۵۸
فرار نمودن باز بهادر و بدست امدن قلعهٔ ماندو ۱۶۰
کشتن ادهم خان خان اعظم کوکه را و بیاسا رسیدن او .. ۱۶۱
فساد شاه ابوالمعالی ۱۶۳
ذکر تعمیر و ترمیم قلعه و مسجد آگره ۱۶۵
بغاوت عبدالله خان اوزبک درمالوه .. .. ایضا
کشتن میرزا سلیمان شاه ابوالمعالی را و در کابل سکه و
خطبه کردن او بنام خود ۱۶۷
خبر فساد مالوا و بغاوت میرزایان در اطراف بلاد .. ۱۶۹
تسخیر قلعه چتور ۱۷۰
تسخیر قلعه رنتهنبور ۱۷۳
فتح احمد اباد ۱۷۸
بغاوت میرزا محمد حکیم ۱۸۵
تنبیه انغانان روشنائي ۱۹۰
فتح کشمیر ۱۹۴
وفات راجه تودرمل ۱۹۵

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

بغاوت یادگار میرزا در کشمیر ۱۹۶
خبر کشته شدن مظفر خان والی گجرات ۱۹۶
فتح اُریسه و دیگر بعضی نواح بنگاله ۱۹۷
نقل قول عبدالقادر بدوانی درحق محمد اکبر بادشاه .. ایضا
رسیدن میرزا رستم صفوی بخدمت اکبر بادشاه ۲۰۴
رفتن خانخانان و شاهزاده دانیال برای تسخیر دکن .. ایضا
مراجعت خانخانان از دکهن و مقرر شدن یوسف خان
مشهدی و ابوالفضل دران مهم ۲۱۲
باز رفتن خانخانان برای نظم دکهن و فتح قلعه احمد نگر ۲۱۳
ذکر بغاوت نمودن شهزاده سلیم یعنی جهانگیر بن اکبربادشاه ۲۱۶
ذکر کشته شدن ابوالفضل ۲۲۳
ذکر وفات مادر اکبر بادشاه ۲۲۸
ذکر وفات شاهزاده دانیال ۲۳۲
ذکر وفات محمد اکبر بادشاه .. .. ایضا
ذکر تاریخ نظامی و تاریخ فرشته ۲۳۷
فهرست منصبداران عهد اکبری .. .. ایضا
ذکر شیخ سلیم سیکری ۲۳۹
ذکر شیخ عبدالحق دهلوی .. .. ایضا
ذکر خواجه باقی بالله ۲۴۰
ذکر ملا عبدالله سلطان پوری .. .. ایضا
ذکر عرفي شیرازی ۲۴۱
ذکر شیخ مبارک ناگوری .. .. ایضا

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

ذکر میر فتح الله شیرازی ۲۴۲

ذکر ملا عراقي مشهدی .. .. ایضا

ذکر قاسم کاهی .. .. ایضا

ذکر سید محمد جامه باف .. .. ایضا

ذکر میر حیدر معمائي . .. . ایضا

ذکر متروکات محمد اکبر بادشاه وقت وفات ۲۴۳

ذکر سلطنت ابوالمظفر نورالدین محمد جهانگیر بادشاه .. ۲۴۴

ذکر ولادت محمد جهانگیر پادشاه ۲۴۶

ذکر کتب که در احوال جهانگیر پادشاه تالیف شده .. ۲۴۷

ذکر بغارت خسرو ۲۴۹

ذکر گرفتار شدن خسرو و بسیاست رسیدن همرهان وی .. ۲۵۳

بیان رسم دادن خطاب ۲۵۴

تاخت اوردن حسن خان شاملو حاکم هرات برقندهار و
برخواسته رفتن او از حکم شاه عباس ۲۵۵

ذکر استعمال لفظ صوبه دار برای عمال ۲۵۶

قصه خان آعظم میرزا عزیز کوکه .. .. ایضا

تدبیر بیرون کردن خسرو از قید ۲۵۸

ذکر کتخدائی جهانگیر بادشاه بادختر قاسم خان عرب .. ۲۵۹

حکم عنایت نمودن نقاره تامنصب سه هزار و پانصدی ۲۶۰

احوال نورجهان بیگم ۲۶۳

سکه زدن بنام نورجهان بیگم ۲۶۸

ذکر تمغاي جهانگیری که به اراکین سلطنت داده شد ۲۷۲

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

ایجاد عطر جهانگیری ۲۷۲
ذکر رسیدن سر عثمان خان از بنگاله ۲۷۳
ذکر اجازت نواختن نقاره باعتماد الدوله ۲۸۰
ذکر تولد دارا شکوه پسر شاهجهان ۲۸۱
ذکر فتح یافتن شهنواز خان بر عنبر ۲۸۲
ذکر تولد محمد شجاع پسر شاهزاده شاهجهان ۲۸۶
عزل عبد الله خان صوبه دار احمد آباد بجرم اهانت
اخبار نویس ۲۸۶
وبا و طاعون عظیم .. .. ایضا
عنایت شدن خطاب شاه بشاهزاده خرم یعنی شاهجهان ۲۸۸
شکار شدن شیر از دست نورجهان و رانی کلان ۲۸۹
وفات شهنواز خان ۲۹۸
حکم تعمیر مساجد و سرای پخته و چاه و غیره در هر منزل ایضا
نزول بادشاه مع نورجهان بیگم بخیمهٔ معتمد خان ۳۰۱
بغاوت راجهٔ کشتوار و چکان کشمیر و بیان احوال کشمیریان ایضا
باز بغاوت کردن عنبر حبشی ۳۰۴
نقلی عجیب منقول از جهانگیر نامه ۳۰۸
نقل بازیگران بنگاله ۳۱۲
نقل عشق فقیری بر زن هندوئی ۳۱۳
خبر یورش دکنیان بر مالوا و تنبیه ایشان ۳۱۴
خبر مرض اعتماد الدوله پدر نورجهان بیگم و رفتن بادشاه
بعیادت او و وفات اعتماد الدوله ۳۲۵

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

یورش شاه ایران بر قندهار ۳۲۷

مناقشه نورجهان بیگم با شاهجهان و برپا شدن فساد عظیم ۳۲۸

بغاوت شاهجهان و فوج کشي او بر جهانگیر بادشاه ۳۳۵

احوال قلعهٔ رهتاس بنگاله ۳۴۶

سوانحات دکن ۳۴۷

احوال سلطان پرویز که بتعاقب شاهجهان رفته ۳۵۰

قید کردن مهابت خان جهانگیر بادشا را ۳۵۸

ذکر تدابیر نورجهان بیگم در استخلاص جهانگیر بادشاه .. ۳۷۷

رحلت نمودن سلطان پرویز ۳۸۲

بقیهٔ احوال مهم دکن ۳۸۳

خبر غرق شدن مکرم خان حاکم بنگاله ۳۸۷

ذکر وفات محمد جهانگیر بادشاه .. .. ایضا

بر تخت نشستن شهریار در غیبت شاهجهان بخت بیدار ۳۹۰

ذکر سلطنت ابو المظفر شهاب الدین شهان جهان بادشاه ۳۹۵

تفصیل حاصل ایران و توران و هندوستان ۴۰۳

ذکر فراری شدن و بغی ورزیدن نرسنگه دیو بندیله .. ۴۰۶

فتح و مسمار نمودن قلعهٔ بامیان که بدست ازبکان رفته بود ۴۱۰

بغاوت کردن خان جهان لودی ۴۱۱

ذکر تنبیه افغانان که رویهٔ ملحدان اختیار کرده بودند .. ۴۲۲

بقیهٔ احوال خانجهان لودی ۴۲۴

ذکر بغاوت افغانان خلیلی و مهمندي و داودزئی و لودی
و رهیله و غیره ۴۲۸

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

ذکر تیرہ بختی باقی ایام خان جہان لودی ۴۳۵
ذکر قحط سال دکہن که بسال غم موسوم گردید ۴۴۴
ذکر تنبیه ایدام نام کافر بد فرجام ۴۵۴
ذکر تسخیر قلعهٔ ستوندہ .. .. ایضا
ذکر واقعهٔ ممتاز محل بیگم ۴۵۹
ذکر تعیین افواج برای خرابي ملک بیجاپور و فتوح قلعجات ۴۶۲
فتح بندر هوگلی و جنگ با فرنگیان ۴۶۸
تسخیر قلعهٔ کالنا ۴۷۰
جنگ نمودن بادشاهزاده محمد اورنگ زیب با فیل .. ۴۷۳
بغاوت کردن فتح خان پسر عنبر حبشی و فوج کشی نمودن
او بر دولت اباد دکن ۴۷۵
جنگ نمودن مراري پنڈت نوکر عادل خان باخان زمان ۴۸۴
ذکر خرابی نجابت خان در قبول مهم سری نگر .. ۵۰۵
ذکر مهم جهجار سنگه بندیله ۵۰۶
ذکر سلوک قطب الملک ۵۲۳
ذکر کتخدائي شاهزاده اورنگ زیب با دختر شهنواز خان ۵۴۱
ذکر تنبیه پرتاب سنگه زمیدار شرقي ۵۴۴
احوال ولایت بکلانه ۵۴۶
احوال ولایت تبت .. .. ایضا
احوال سید محمد رضی ۵۴۷
احوال سید جلال ۵۴۸
احوال سید محمد .. .. ایضا

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

احوال میان میر ۵۴۸
احوال ملا شاه بدخشی ۵۴۹
احوال خواجه خواند .. .. ایضا
احوال شیخ ناصر ۵۵۰
احوال ملا میر ۵۵۱
احوال شیخ عبد الحق دهلوی .. .. ایضا
آمدن علی مردان خان بهند ۵۵۲
حقیقت ملک آشام ۵۵۹
آمدن علی مردان خان بحضور شاه جهان ۵۶۷
بر اوردن نهر لاهور بتجویز علی مردان خان ۵۷۰
ذکر حادثه سوختن خانه پادشاه زاده محمد شجاع ۵۷۲
بیان جنگ شاه ایران با سلطان روم ۵۷۵
ذکر وفات یمین الدوله ۵۸۴
ذکر مهم قندهار دیگر بار ۵۸۹
تنقیح این امر که در هندوستان هیچ سیدی صحیح النسب
سلطان شده یا نه ۵۹۲
ذکر سوختن پادشاه بیگم ۵۹۸
احوال جواهر خانه شاهی ۶۰۵
وفات نورجهان بیگم ۶۱۸
ذکر مهم بلخ و بدخشان ۱۱۹
احوال نذر محمد خان والي توران ۶۳۴
تفصیل جمع دامی صوبجات هندوستان ۶۷۱

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

احوال قلعهٔ شاهجهان اباد ۶۸۱
لشکرکشي شاه عباس بذات خود بر قندهار ۶۸۴
ضوابط بندوبست اراضی دکهن ۷۳۲
احوال محمد امین متصدی بندر سورت و بیاسا رسیدن او ۷۵۰
ذکر بنای مسجد جامع شاهجهان اباد ۷۵۴
ذکر خاتمه و قلع سلطنت شاهجهان بادشاه ۷۶۰

تمام شد

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

صوبهٔ کابل - شانزده کرور دام
صوبهٔ کشمیر پانزده کرور دام
صوبهٔ تهته - هشت کرور دام
صوبهٔ بلخ - هشت کرور دام
صوبهٔ قندهار - شش کرور دام
صوبهٔ بدخشان - چار کرور دام
ولایت بکلانه دو کرور دام

ذکر سوانح سال بیست و یکم از جلوس مطابق
سنه هزار و پنجاه و هفت هجري

در آغاز سال بیست و یکم غرهٔ جمادي الاخری بدستور هر سال بزم جلوس منعقد گردید و عالمي از امرا و اعلی و ادنی ذکور و اناث بفیض رسید - از شنیدن اخبار بي اعتدالي از بکان که بارادهٔ فاسد در طرفي از اطراف بلخ و دیگر بلاد آن ضلع چون مور و ملخ فراهم آمده درخرابي ملك و رعایا میکوشند پنجم شهر مذکور پادشاه زاده محمد مراد بخش را بطریق کومکي برای تنبیه آن قوم مرخص فرموده از عطاي خلعت و دیگر عنایات مفتخر ساختند - درین ضمن بعرض رسید که افواج از بکیه از راه خطا و ارادهٔ باطل باز آمدند و نذر محمد خان عازم حضور گشته - چنانچه عریضهٔ او مشتمل بر التماس عفو تقصیرات و طلب استمالت نامه رسید - یازدهم شهر مذکور پادشاه زاده محمد مراد بخش را از رفتن بلخ موقوف فرموده حکم مراجعت صادر نموده بصوبه کشمیر مرخص ساختند - و خود از کابل اوائل رجب سمت پنجاب بارادهٔ

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

دار الخلافت کوچ فرمودند - تودرمل امین و فوجدار سهرند را بر
حسن خدمت پانصدي اضافه و خطاب راجه مرحمت نمودند
که از اصل اضافه دو هزاري دو هزار سوار باشد - نجابت خان که در
رسیدن حضور بموجب حکم درنگ نموده بود بعد رسیدن حضور
مامور گردید که ملازمت ننموده بکابل برود - بعد عبور از آب اتک
پادشاه زاده دارا شکوه از لاهور آمده ملازمت نمود - یک قطعه
الماس بوزن صد رتي قیمت لک روپیه مع خلعت و اسپان عنایت
فرمودند - عبد الرحمان و دیگر فرزندان نذر محمد خان همراه پادشاه
زاده ملازمت نموده مورد عنایات گردیدند - نوزدهم شوال بلاهور رسیده
زیاده از دوسه مقام ننموده متوجه دار الخلافت شدند - چون بسهرند
رسیدند از واقعهٔ دکن بعرض رسید که اسلام خان صوبه دار دکن
ودیعت حیات نمود - بسادات خان برادر او که قلعه دار دولت اباد
بود محمد اشرف که نیابت برهانپور داشت و محمد غیاث (118)
ودیگرفرزندان موافق رتبه و پایه اضافها مرحمت فرمودند واموال نقد
و جنس بوارثان معاف نمودند - وبشه نواز خان صوبه‌دار مالوا حکم
رفت که تا رسیدن صوبه‌دار خود را بدولت آباد رسانده از بند و بست
آنجا خبردار باشد - از عریضهٔ نذر محمد خان بعرض رسید که قبل از
رسیدن حضور قلعهٔ میمنه باو عطا شود - فرمودند که بعد حصول
شرف ملازمت رعایت خاطر خواه به از درخواست او نموده
خواهد شد - درین اوان محمد قاسم نبیرهٔ نذر محمد خان که

---

(118) ن - محمد صفي

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

(نذر محمد خان) بسبب وسواسهاي بيجا فسخ ارادهٔ حضور نموده عريضه مشتمل بر عذر عارضهٔ بدني نوشته همراه او ارسال داشته بود رسيده ملازمت نمود - ازانكه خرچ صوبه بلخ زياده از مداخل مكرر بعرض رسيده بود و نظر بر فساد از بكان كه هر سال چندين هزار مسلمانان طرفين بقتل مي رسيدند ترحم بحال نذر محمد خان نموده بلخ (119) را بدستور سابق باو بخشيدند - و احكام مشتملبر برخواسته آمدن پادشاه زاده محمد اورنگ زيب و ديگر قلعه داران صادر فرمودند - گويند چهار كرور روپيه بخرچ مهم بلخ و بدخشان آمده بود و آنچه مردم از هر دو طرف كشته شدند و مال رعايا مع ناموس بباد فنا رفت حساب آن خدا بهتر ميداند - پادشاه زاده محمد اورنگ زيب چهار دهم شعبان از بلخ كوچ فرموده وسط رمضان چون بيكي از دهنهاي دره رسيده منزل نمودند شمشيرخان كه به كهي رفته بود هفت هشت هزار سوار از بلك چهار طرف شمشيرخان فرو گرفته صداى دار وگير بلند ساخته شتر و گاو بسيار متصرف شدند و جمعي كشته و زخمي گرديدند - بهادر خان بمدد شمشير خان رسيده ازان تهلكه نجات داد - و تا رسيدن غور بند سه دفعه بآن طائفه مقابله و مقاتلهٔ صعب رو داد و هر بار جمع كثير از طرفين كشته و زخمي شدند - بعد رسيدن بغور بند تهانه آنجا قائم نموده ده لك روپيه خزانه كه آنجا موجود بود همراه گرفته روانه شدند - و روز گذشتن از درهٔ غور از قوم

---

(119) ن - بلخ و بدخشان *

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

هزاره هزاران بر لشکر بادشاهزاده ریخته عجب نایرهٔ قتال و جدال بر افراختند مال و اسباب بسیار هرچه بدست آمد تاراج نمودند و حال بر تمام فوج و سرداران تنگ گردید و کار بجائي رسید که بر خزانه ریختند و بهادر خان خود را رساند و مردم زیاد پادشاهي کشته و زخمي گردیدند - و تا یکپاس شب صداي دار وگیر بلند بود و امید نجات محال مي نمود - ذو الفقار خان و نور الحسن (120) که همراه خزانه بودند چپقلشهاي رستمانه نمودند - و باوجود زخمی شدن هردو سردار داد مردي دادند آخر بمدد اقبال پادشاهي از آفت دست برد آن جماعه خزانه محفوظ ماند - بکوتل هندوکش که رسیدند از تنگي راه و برف و یخ سر راهها بار بردار بسیار تلف شدند و هر جانور که افتاد لکدکوب آدم و چهار پا گردید و هر سوار و پیاده که از پا در آمد باز فرصت برخاستن نیافت - بهرحال اگرچه بادشاه زاده اوائل شوال بکابل رسید اما چون بهادر خان روهیله و ذو الفقار خان و خواجه حسن با خزانه عقب مانده بودند بر لشکر آنها برف بسیار چنان پیهم بارید که فرصت چشم برهم زدن نمیداد چار پا و آدم بي شمار تلف شدند - و بهادر خان از ذو الفقار خان بي اختیار جدا افتاد و از نصف زیاد بار بردار خزانه تلف گردید - ذو الفقار خان هرچه توانست خزانه برشتران بقیة الهلاک بار کرده نزد پادشاه زاده فرستاد - و چون دیگر اصلا بار بردار نمانده بود با باقي خزانه مقام نمود و برف و باران شب و روز مي بارید

---

(120) ن - ابو الحسن

درین تهلکه هزاره با فوج سنگین آمده بر سر خزانه و مردم پادشاهي
ریخت و عجب هنگامهٔ قتال و جدال بمیان آمد و مال و اسباب
و عیال و ناموس کمتر کسي ازان آفت محفوظ ماند و آشوب
قیامت بر پا گردید - و قریب چهار پنج هزار اسپ و آدم بسیار
مع چهار پاي بار بردار که باقي مانده بود بتاراج و غارت بردند و
جانور بي‌شمار زیر برف آمدند - و کار بجائي رسید که همه نبرد
آزمایان و بهادران کارزار دیده از روي سخت جاني بر سر خزانه
پیاده فراهم آمده جنگ رستمانه و تردد مردانه نمودند - و دست از
همه ما یحتاج برداشته جان خود و خزانه را از چنگ آن جماعه
سالم بر آوردن غنیمت دانستند تا آنکه هزاره غنیمت بسیار سنگین
بار کرده فرار نمودند - چون خبر به بهادر خان رسید فرمود که بار بردار
هرکرا یابند کشیده گرفته نزد ذوالفقار خان رسانند و افغانان در
دادن بار بردار مضایقه نمودند و میان هم کار بجنگ منجر گردید -
و بهادر خان باشتران خاصهٔ خود و بار بردار پسران و خویشان خود
را به ذوالفقار خان رساند و تا رسیدن بهادر خان آدم بسیار که
قریب پنج شش هزار کس باشند از برف تلف شدند و باقي
که ماندند پدر بحال پسر نپرداخته هریکي جان خود بیرون بردن
غنیمت میدانست - بهادر خان که با سپاه خود را بخزانه رساند
چون بار بردار که از سرما و برف نیم جان و پوست و استخوان
بر جانوران مانده بود براي خزانه برداشتن وفا نمي نمود ناچار
فرمود خزانه را متفرق ساخته خریطه شمار حواله جماعداران
نمودند که بر اسپان بار نموده روانه شدند - درین ضمن باز

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

هزاره سر راه نمودار گشته پاي زد و خورد بميان آورد - و بهادر خان
و ذو الفقار خان بجان بازي تمام بعد سعي و كوشش و كشش
تمام خزانه را باجانهاي خود سالم ازان درها برآورده بكابل رساندند *

الحال بتحرير وقايع حضور مى پردارد- بعدة كه پادشاه بقصبه
كرنال پنجاه كروهي دهلي رسيدند جعفرخان را با ديگر كارپردازان
براي سرانجام ضروري رخصت دهلي نمودند - مكرمت خان با
جمعي از بندهاي پادشاهي باستقبال آمده ملازمت نمود - اوائل
ذي الحجه حوالي دهلي شرف نزول واقع شد - و روز ديگر سوار شده
براى ملاحظه و تجويز مكانهاي قلعه نو احداث شاه جهان آباد كه
از سنه دوازده جلوس براي ساختن آن غيرت خان عرف كامگار را مقرر
فرموده بودند و نهم محرم الحرام سنه هزار و چهل هشت بناي
عمارات ريخته شده بود و آخر اتمام آن باهتمام مكرمت خان قرار
گرفت تشريف آوردند - بعد ملاحظه تاكيد براي بعضي عمارت
ضروري كه تا رسيدن نو روز جشن سال آينده قابل فرش نمودن شود
نمودند - و عاقل خان خوافي و يوسف خان را براي سرانجام و مدد
اتمام عمارت گذاشته متوجهٔ اكبر آباد شدند - از واقعهٔ بندر سورت
بعرض رسيد كه علي اكبر اصفهاني حاكم بندر سورت و كهنبايت را
هندوئي در اثناي گفتگوي لايعني بجمدهر گشت لهذا معز الملك
ديوان مالوا را كه سابق هم تعلقهٔ بندر مذكور داشت از انتقال او
مقرر فرمودند - از واقعه مالوا بعرض رسيد كه جان نثار خان تيول
دار سركار مندسور از زخم جمدهر زميدار مفسد پيشه كه اورا دستگير
كرده آورده بودند وقت روبرو آوردن كشته شد *

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

بیست و یکم داخل اکبر آباد شدند - از جملهٔ دریافت
صفاي باطن پادشاه روشن دل باتفاق آنکه روزي صد فیل نر و ماده
از نظر میگذشتند تقرب خان بر یک ماده فیل نظر خواهش
انداخت و آهسته بگوش علاء الملک بطریق اظهار آرزوي دل اشاره
بهمان ماده فیل نموده گفت که اگر حضرت این ماده فیل را بمن
عنایت فرمایند زهي مراد دل من خواهد بود - هنوز سرگوشي تمام
نشده بود که پادشاه طرف تقرب خان متوجه شده فرمودند که این
مادهٔ فیل را بتو بخشیدم - بعرض رسید که ایک الماس ناتراشیده بوزن
صد وهشتاد رتي ازکان تعلقهٔ قطب الملك برآمده - حکم شد که باو بنویسند
که الماس مذکور را بقیمت در آورده درجه پیشکش مقرري بحضور
ارسال دارد - چون قبل از رسیدن حکم عبد الله قطب الملك الماس
را حواله الماس تراش نموده ده رتي ازو تراشیده بود همان روز که
حکم رسید ان سنگ نا تراشیده بیش بها را همان قسم از راه اطاعت
امر بحضور ارسال داشت - بعد رسیدن حضور که هفتاد رتي دیگر
ازو تراشیده شد صد رتي بي جرم شفاف خالي از عیب بر آمد
یك لك و پنجاه هزار روپیه بقیمت در آمد - و بیست هزار روپیه
ریزهٔ تراشیدهٔ او نیز بقیمت رسید - قضا را همان روز شمامهٔ عنبر
بصورت قندیل بوزن هفتصد توله بقیمت پنجاه هزار روپیه از نظر
گذشت و بخاطر خیر اثر رسید که آن شمامه را در طلای مشبک
گرفته بانواع جواهر و ریزهٔ آن الماس مرصع نموده آن الماس صد
رتي را بالاي آن نصب نمودند که جمله دولك و پنجاه هزار روپیه
قیمت آن قندیل بي عدیل گردید - با یك لك و پنجاه هزار

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

روپیه نصف نقد و باقي خرید جنس از احمد آباد باب مکهٔ متبرکه و مدینهٔ منوره که در آنجا مضاعف ارزد مصحوب سیداحمد سعید که سابق نذر بمکهٔ معظمه برده بود روانه آن مکان شریف نموده فرمودند پنجاه هزار روپیه را نقد و جنس بشریف مکه دهند باقي به بیچاره و مساکین و مستحقین آنجا رسانند - و قندیل را در روضهٔ منوره بیاویزند - پادشاه زاده محمد شجاع را یک قطعه لعل و غیره بقیمت یک لک روپیه عطا نموده بصوبهٔ بنگاله مرخص فرمودند - پادشاه زادهٔ محمد مراد بخش را از کشمیر طلبیده صوبهٔ دار دکن ساختند - حسن بیگ خویش علیمردان خان را که بپایهٔ هزار و پانصدي رسیده بود صوبه کشمیر مقرر فرمودند *

روزي فیل مستي در مقابل راجه بدن سنگه که رو بروی پادشاه ایستاده بود حمله نموده راجه را بایکي از همراهان او که بقصد خلاصي راجه خود را بمدد رسانده بود زیر دندان کشید راجه زیر دندان آن بلای سیاه جمدهر کشیده بخرطوم او زد درین ضمن چرخي بان چرخي هارا آتش دادند راجه با رفیق خود از میان هر دو دندان فیل بلا آفت بر آمده مورد آفرین گردید خلعت و پنجاه هزار روپیه منجمله مطالبهٔ ذمه واجب الاداي او انعام مرحمت نمودند - بپادشاه زاده محمد اورنگ زیب که بدریاي اتک رسیده بموجب حکم توقف ورزیده بود حکم شد که بصوبهٔ ملتان که در اقطاع او مرحمت نموده بودند بروند و سي لك روپیه در همان صوبه عنایت نمودند - قلعه داري اکبر آباد بباقي خان فرموده دوازدهم ربیع الاول براه دریا متوجه شاه جهان آباد که مسمي بدار الخلافت ساخته بودند شدند *

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

بیست دویم شهر مذکور نزدیک بقلعه رسیدند چون در مدت هشت سال بخرچ مبلغ شصت لک روپیه ابتدا باهتمام غیرت خان بعده بداروغگي اله وردي خان که اتمام آن به مکرمت خان تعلق گرفت عمارت قلعهٔ گردون اساس و مکانهاي آسمان پایه اندرون محل و بیرون خاص و عام و حمام در سنه بیست جلوس که پادشاه در کابل تشریف داشتند صورت اتمام گرفته بود بیست و چهارم ربیع الاول سنهٔ هزار و پنجاه و هشت مطابق بیستم فروردي سنه بیست و یک جلوس بعد انقضاي شش ساعت زماني که نیر اصغر پرتو افروز برج ثور بنظر سعد صاحب خانه و قران مشتري و طالع اسد بود در قلعه شرف نزول واقع شد - چهار لک روپیه نقد و لک روپیه را مرصع آلات به بیگم صاحب قدسیه عنایت نمودند - بهمین دستور بهمه پرده گیان حرم و پادشاه زادها و امرا خلعت و نقد و جواهر عطا فرمودند - و دارا شکوه را سي هزاري سي هزار سوار نمودند - سعد الله خان و غیره صد امیر دران روز باضافه و عنایات دیگر مفتخر گردیدند - و تا بیست روز دامن آرزوي امیران و فضلا و صلحا و شعرا و ارباب طرب از انواع انعام و عطاي زر و گوهر مالامال بود از حافظان و نغمه پردازان ایران و توران و کشمیر و رقصان جادوفن عالم آشوب ذکور و اناث هند طبق طبق زر و گوهر یافتند و اکثر اهل حرفت که هریکي از گذراندن گلي از باغ صنایع خود بانعام دامن دامن زر سرخ و سفید کامیاب گردیدند - و ذخیرهٔ سالها اندوختند و خانهٔ نماند که در شادي بروي او مفتوح نگردید و کاشانهٔ نبود که شمع مراد دران خانه افروخته نشد - از جملهٔ تاریخ

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

صاحب طبعان این تاریخ پسند افتاد * ع *

شد شاه جهان آباد از شاه جهان آباد

الحق تا چشم گردون نظر لطف بر گهوارهٔ نشینان ارض این کهنه سراي انداخته چنان شهر و چنین عمارات عالي ندیدهٔ • بیت *

تعالی الله چه شهراست اینکه از شان
گذشته هر بناي او ز کیوان
ز طرحش هند زیب و فر گرفته
جواني را جهان از سر گرفته
جهان را گر به از خود یاد باشد
همین شاه جهان آباد باشد
به مصر از وسعت او تا خبر شد
ز رشك از شام غم باریک تر شد
جگر از غیرتش خون شد یمن را
عقیق او گواه است این سخن را
ز خوبي هاي او هر که کند یاد
رود صد دجله اشک از چشم بغداد
ز خاکش مشک چین بو مي کند وام
خطا باشد دران بردن ز چین نام

درینولا از عرضه داشت علیمران خان بعرض رسید که عبد العزیز خان باز لشکرکشي بر سر نذر محمد خان نموده بلخ را محاصره کردهٔ حکم شد که بهادر خان و راجه بیتهلداس و غیره بیست امیر خود را نزد علیمردان خان رسانند که موافق تجویز او بمدد

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

نذر محمد خان روانه شوند - راي رايان كه از مدت تارك علائق روزگار گشته در بنارس منزوی بود باز به جاذبهٔ الفت آلودگي دنيا كه ريشهٔ محبت او در دل و جگر انسان جا گرفته گريبان گير او گشته بحضور آورد و بمنصب هزاري ذات دو صد و پنجاه سوار و خدمت ديواني كل دكن ضميمه فوجداري بكلانه مفتخر گرديد *

ذكر سوانح سال بيست و دويم از جلوس سنه هزار و پنجاه و هشت هجري

جشن آغاز سال بيست و دويم جلوس مطابق سنه هزار و پنجاه و هشت بدستور هر سال رونق افزاي شهر و عمارات تازه و فيض زياده از اندازهٔ صالح و طالح صغير و كبير گرديد - پادشاه زاده محمد مراد بخش را كه از تغير شايسته خان صوبه دار دكن ساخته بودند و بعد از فراغ هردوجشن بانواع لطف و عنايات مفتخر گرديده مرخص گشت بمنصب بيست هزاري پانزده هزار سوار سر فرازي بخشيدند - و شه نواز خان كه از مالوا بطريق عاريت بدكن رفته بود اتاليق پادشاه زاده محمد مراد بخش مقرر گرديده پنجهزاری پنجهزار سوار دو هزار سوار دو اسپه و سه اسپه اصل و اضافه سرافرازي يافت - چون خبر مصالحهٔ عبد العزيز خان بنذر محمد خان رسيد بهادر خان را كه مع فوج مرخص فرموده بودند موقوف نمودند و صوبهٔ ملتان باو مرحمت نموده بديوانيان فرمودند كه چون بهادر خان مدت بيجاگير بوده طلب مابين ايام او را عوض مطالبه محسوب نمايند شيخ فريد پسر قطب الدين كه بعد از مامور شدن بكومك كابل از حكم انحراف ورزيده بود بي منصب و بى جاگير نموده

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

روزینه عطا فرمودند *

از عرضه داشت خواص خان قلعه دار قندهار و زباني منهیان بعرض رسید که شاه عباس چهارم ربیع الاولی سال بیست و یکم از جلوس با لشکر بسیار بعزم تسخیر قندهار از صفاهان بر آمده هفتم شعبان بمشهد مقدس رسیده یکی از امرای خود را پیشتر بهرأت (121) روانه نمود که آنجا رسیده ده هزار سوار برقنداز که موافق معمول از تاجیکان خراسان که وقت مهم پیش قدم مي باشند و بیعلوفه رفاقت و جانفشاني مي نمایند و پنجهزار بیلدار و دیگر مصالح قلعه گیري موجود سازد و شنیده می شود که شاه اراده دارد که چون در ماه دي و بهمن فوج هندوستان از وفور برف و بند بودن راه بکومک قندهار نمي‌تواند رسید خود را در ایام مذکور بپای قلعه برساند - و نیز ظاهر شد که شاه قلي نام را که با نامه بخدمت حضرت اعلي روانه ساخته بود بقندهار رسیده روانهٔ حضورگردید - حضرت جهانباني بعد از استماع این خبر سعد الله خان را که صاحب السیف و القلم گفته مي شد با یک صد و سي و پنج امیر نامي روشناس بسرداري پادشاه زادهٔ با فرهنگ رستم جنگ محمد اورنگ زیب براي رخصت کومک قندهار مقرر نموده حکم نمود که شصت هزار سوار و ده هزار برقنداز طومار فوج تیار نمایند که اکثر آن از سادات بارهه و ازبکیه وافغانان و راجپوتیه باشند ازمردم ایران کمتر داخل فوج هندي نمایند - و بنایب

---

(121) ن - بخراسان

دارا شکوه که در لاهور بود حکم رفت که هرگاه شاه قلي ايلچي ايران آنجا رسد نگذارند که پيش بيايد - دريں ضمن بعرض رسيد که علي مردان خان بموجب نوشتهٔ قلعه دار قندهار پنجهزار سوار و هزار برقنداز بسرداري کاکرخان و راجه امرسنگه و نور الحسن بخشي احديان کومک روانه نموده و پنج لک روپيه خزانه همراه آنها بي آنکه مامور گردد روانه ساخت - سويم ذي قعده پادشاه زاده محمد اورنگ زيب را با همراهان بانواع عنايات مفتخر و مرخص ساخته خود نيز متوجه لاهور شدند *

خبر واقعه اعظم خان که صوبه دار جونپور بود بعرض رسيد ملتفت خان و مير خليل و مير اسحاق پسران اورا خلعت ماتم و اضافه مرحمت نمودند و صوبهٔ جونپور بمعتقد خان مقرر فرمودند - ابتدا بخاطر گذشته بود که پادشاه زاده محمد اورنگ زيب را از دار الخلافت پيشتر روانه سازند باز چنان مقرر گرديد که تا لاهور بل تا کابل بطريق استعجال باتفاق طي منازل نموده ملاحظهٔ تصديع ايام زمستان را از ميان بر دارند - امراى آرام طلب نا آزموده کار باظهار خيرخواهي خلق الله بعرض رساندند که سه ماه آذر و دي و بهمن قزلباش تاب سفر و مهم ندارد و شهرت اراده رسيدن شاه عباس دريں ايام بقندهار خلاف عقل است - و خبر کم يابي غله و کاه آن ضلع نيز بعرض رسيد بخاطر پادشاه ايں مصلحت پسند افتاد که في الواقع دريں سه چهار ماه که برف و سرماي مسافرکش دارد اکثر قزلباش تردد نمي نمايند و براي سفر و محاصرهٔ قندهار لشکرکشي که في الحقيقت

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

لشکرکشي است بعمل نخواهد آمد - لهذا فسخ ارادهٔ کابل نموده
قرار بران یافت که ایام برف و شدت زمستان در لاهور بسر برند و
نیز انتظار رسیدن امراي اطراف که حکم و گرز برداران براي طلب
آنها رفته بودند و انتظار خبر تحقیق حرکت نمودن شاه عباس
از پاي مزار شاه خراسان مي کشیدند - هنوز خبرکوچ و مقام در السنه
مختلف شهرت داشت و یاران فراغت طلب در تردد سرانجام
چهاوني مذبذب خاطر بودند و عزیزان بي بضاعت در خیمه
گذراندن غنیمت از تصدیع سفر ایام زمستان دانسته شکر حرج و
مرج وکوچ ومقام بجا مي آوردند که بغتتا خبر رسیدن شاه عباس
بپای حصار قندهار از عرضه داشت قلعه دار انجا بعرض رسید -
معروض داشته بود که شاه عقل تباه بغرور افزوني سپاه سخت
جاني را کار فرموده بطریق یلغار با پنجاه هزار سوار قزلباش
بدمعاش و ترکان هزبر خو و تاجیکان ستیزه جو و توپخانهٔ جهان
آشوب رسیده اوائل ذي الحجه دي ماه الهي که زمین و
آسمان تختهٔ لخت برف و یخ گردیده و عالمي در زیر لحاف برف
جان ستان بپاسباني جان در مانده بود و از وفور باریدن برف و
باران جهان چون لشکر کفر و اسلام سفید و تاریک مي نمودند از
ملاحظه رسیدن کومك و موکب همایون پرواي برف و یخ بند راه
ننموده خود را رسانده قلعه را محاصره نموده هر چند که زود تر
بفریاد محصوران رسند صلاح دولت است - بعد عرض پادشاه زادهٔ
ظفر پیکر محمد اورنگ زیب بهمراه و اتالیق سعد الله خان و صد
وسي و چهار امیر نامدار و رو شناسان شیر شکار دیگر که اکثر از

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

سادات نبردآزما و ازبکان بادیه پیما و افغانان صف ربا و راجپوتان
جان فدا که جمله از سایر و توپخانه هفتاد هزار سوار بودند مرخص
شدند - و احکام بنام صوبهٔ داران و فوجداران و جاگیرداران مع گرز
برداران برای طلب حضور صادر گردید - و پادشاه زاده را بسبب
احتیاط ساعت و عدم فرصت بی آنکه لازمهٔ رخصت بمیان آید
پیشتر براه ملتان مرخص ساختند که خود را به ملتان رسانده
بگرد آوری سپاه و سرانجام مهم پردازد - و خلعت و اسپ و جواهر
و فیل برای پادشاه زاده ازعقب همراه سعدالله خان روانه فرمودند -
و دیگر امرا مامورگردیدند که براه نزدیک بنگش رود خود را بکابل و
قندهار برسانند و حکم شد که بندهای قدیم نقدی را سوای طلب
لغایت حال فی نفر صد روپیه مع تابینان برسانند و جمعی که
نو ملازم اند و سند تیار نشده و منصبداران قدیم و جدید که جاگیر
ندارند سه ماه نقد دهند و سزاولان برای دادنی مقرر شدند و گرز
برداران تعین شدند که لشکر تا مقدور رعایت سرما و برف و باران
و نشیب وفراز ننموده جریده از علائق غیر ضروری گشته کوچ بکوچ
مرحله پیمای منزل مقصود گردند - درینولا حسن بیگ نام ترکمان
قورچی باشی شاه ایران از قندهار جدا شده خود را بحضور پادشاه
رسانده بود بعطای خلعت و اسپ و خنجر طلا و چهار هزار روپیه
نقد و منصب هزاری پانصد سوار سرافرازی یافت خواجه‌جان ایلچی
نذر محمد خان را که با نامه و بعضی تحف رسیده بود خلعت
و اسپ و دوازده هزار روپیه عنایت نموده مرخص فرمودند - غره
ربیع‌الاولی خود از لاهور متوجه کابل شدند - روزی که از آب بهت

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

عبور لشکر واقع مي شد هنوز پادشاه از آب نگذشته بودند که
گرز بردار از قندهار بطریق یلغار در کمال اضطرار بخانه جعفر خان
میر بخشي رسیده زباني ظاهر نمود که بعد روانگي من خبر دست
یافتن قزلباش بر قندهار انتشار یافته بود و مطابق آن بلا فاصله
نوشتجات مصحوب قاصدان و جلوداران سریع السیر از غزنین
رسیدند - و جعفر خان بخدمت پادشاه آمده در خلوت حقیقت
بعرض رساند - اگر ذکر محاصره و نقب دواندن و تردد قزلباش و
سعي و جانفشاني محصوران که در ابتدا نمودن و آخر کار تاب
صدمات لشکر خصم نیاوردند مفصل برنگارند بطول کلام منجر
میگردد - مجمل بزبان قلم میدهد که یک ماه در تردد مورچال
پیش بردن و نقب دواندن و یورشهاي با جلادت نمودن و شب و
روز از اندرون قلعه تگرگ گولهٔ توب و تفنگ و حقهٔ آتشي و بان
شرر باریدن و از قلعه بر آمده بر مورچال ریختن گذشت چنانچه
قریب دو هزار آدم و چار پاي بسیار از لشکر شاه کشته و تلف
گردید و چهار صد و پانصد نفر از محصوران نیز نقد حیات بباد فنا
دادند آخر از دل باختن شادي بیگ نام ازبک و حوصله باختن
قلعه‌دار که انتظار کومک نکشیده و صدمات جان ربا از طرف قزلباش
به محصوران رسیده مغلوب هراس گشته با سرداران شاه رجوع
نموده پاي صلح بمیان آورده قلعه را داد - گویند یکي از جاسوسان
پخته کار آزموده از قلعه بلشکر شاه رفته بر حقیقت سختي و کمي
ذخیرهٔ غله و گاه فوج خصم و تزلزل رسیدن کومک هندوستان
مطلع گردیده هر چند سعي نموده بازار لشکر آمدن و خود را بقلعهٔ

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

رساندن از خبرداري و بند و بست لشکر ایران نتوانست ناچار
حقیقت بر پارچهٔ کاغذ نوشت که از طرف قلت گاه و دانه و
نرسیدن رسد و شدت برف و سرما حال قزلباش بسختي میگذرد
در اسپان بجز پوست و استخوان و جان نمانده و لشکر پادشاهي
کوچ بکوچ متوجه قندهار است و لشکر قزلباش در فکر برخاستن
است و آن کاغذ را بر تیري بسته در احاطهٔ حصار قلعه انداخت
باوجود اطلاع بر مضمون آن آن قدر مردم قلعه دل باختهٔ هراس گشته
بودند که هیچ فائده نداد - تا پانزده روز گفتگوي پیام صلح و عهد
درمیان بود آخر کار نهم صفر قلعه دار بر آمدهٔ دو روز فرصت
بر آوردن مال و فرزندان خواست روز سویم محراب خان قلعه دار
شاه داخل گردید و قلعه دار سابق که شرط عدم قبول رعایت
خلعت وقت ملازمت و رخصت براي عیب پوشي بمیان
آورده بود باتفاق کارخان و ابو الحسن و دیگر همراهان رفته ملازمت
شاه نمود لمحهٔ نشسته بعد استفسار بعضي احوال رخصت خواسته
روانهٔ حضور شد - بعده که بملازمت پادشاه خطا بخش جرم پوش
رسید سر خجالت پیش افگنده قطرات اشك ریزان نمیدانست
که بچهٔ زبان عذر سیه روئي خود بخواهد - گویند در اندك فرصت
باقي قلعجات بست و زمین داور و غیره توابع قندهار از تردد فوج
محراب خان بتسخیر قزلباش در آمد - شش صد سوار از لشکر ایران و
نه صد سوار محصوران مغلوب گشته شدند و بکار آمدند و قلعه داران
که بعد گرفتن عهد امان جان مع همراهان نزد محراب خان آمدند
و حکم یراق گرفتن آنها نمود بعضي که جوهر غیرت و شجاعت را

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

اختیار نمودند بسپردن اسلحه تن نداده شرط جان سپاري بظهور
آوردند و بقیهٔ السیف را مقید ساخته با سردار ومال و عیال نزد شاه
روانه ساخت - و شاه بسبب عسرت غله و علف و تلف شدن اسپان
و بار بردار از شدت سرما اواخر صفر المظفر ده هزار سوار تفنگچي
با محراب خان قلعه دار درانجا گذاشته خود روانهٔ فره و هرات شد -
از ابتدای محاصره لغایت برخاستن شاه بعد از تسخیر قلعه بدو
و نیم ماه نکشید *

الحال چند کلمه از لشکر پادشاه زاده و وزیر اعظم بقید
تحریر می آرد که چون وقت رخصت شدن بپادشاه زاده و سعد الله
خان حکم شده بود که تا مقدور خود را زود بقندهار رسانند و اغلب
که قبل از رسیدن افواج شاه از ملاحظهٔ صدمات موکب کواکب
شمار از پاي حصار برخاسته برود و اگر خدا نکرده تا رسیدن شما
قلعه بتصرف قزلباش در آمده باشد باید که خود را گرم و چسپان
رسانده فرصت گرم نمودن جا و فراهم آمدن ذخیرهٔ تازه نداده بمحاصرهٔ
قلعه پردازند اما چون پادشاه زاده را در ملتان براي گرد آوري
لشکر و سرانجام ضروري و سعد الله خان را در راه بسبب انتظار
رسیدن پادشاه زاده و بارش غیر هنگام توقف چند روزه رو داد در
وسط صفر چون هر دو فوج نزدیک هم رسیدند نوشتهٔ خلیل بیگ
که براي صفا و پاک نمودن راهها از برف و قطع اشجار رفته بود
رسید مشتمل بر اینکه برف آن قدر سر راه و درها را گرفته که اگر
دیگر نبارد بعد یک ماه اقل از ین راه تردد بدشواری توان نمود -
درین ضمن مکرر خبرهاي وحشت افزای محاصرهٔ قندهار و

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

بتسخیر شاه در آمدن مع احکام تاکید تهدید آمیز زود خود را
رساندن از حضور رسید تا آنکه از معاودت شاه بعد حصول مطلب
اطلاع یافتند ناچار راه منظور نظر را گذاشته از راه بالاي کوههای
آسمان شکوه که دو هزار و هفت درعه ارتفاع آن به پیمودن آمد -
همه سپاه پیاده گشته اسباب مایحتاج ضروری و غیر ضروری را
گذاشته روانه شدند وقت عبور ازان کتلهاي هوش ربا که شاه و گدا
افتان و خیزان بهزار دشواري طي مسافت مینمودند عجب
هنگامهٔ هرج بر خلق الله گذشت و بار برداري که داشتند اکثر
ز جاهای صعب افتادند که ازانها نام و نشان نیافتند و بسیاري از
شدت سرما از پا در آمدند که برنخاستند و نوکر و غلام و پاجیهاي
نمک بحرام هر که خالي میگریخت منت عظیم بر آقا میگذاشت
و غله و گاه همه جنس ماکولات بمرتبهٔ کمیاب گردید که ناني بجاني
ارزان بود - بدین حال بکابل رسیدند - درانجا که رفاهیت شد بیک
روپیه شکم آدم و چار پا بقدر قوت رمق هم سیر نمي شد و چند روز
در کابل براي خرید اسپ و بار بردار که اکثر پیاده و خانه
بدوش بودند توقف نمودن ضرور گردید - بعده که اوائل ربیع الثاني
از کابل کوچ نموده بغزنین رسیدند علف اصلا یافت نشد مگر براي
مردم خاص غله روپیه را یک آثار و گاه یک و نیم آثار بتصدیع
تمام بهم مي رسید کار بر لشکر تنگ گردید - و خبر رسید که ازغزنین
تا قندهار بسبب تسلط قزلباش جنس خوردن انسان و چار پا
مطلق نایاب ست - جملة الملک سعد الله خان حقیقت را بحضور
معروض داشت - در جواب حکم رسید که در ملک گیري رفاهیت

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

طلبي نمي باشد بهر وجه خود را بقندهار رسانده قزلباش
بدمعاش را فرصت فراهم آوردن ذخيرهٔ قلعه و استقامت ندهند
و غلهٔ حوالي قندهار را كه قابل درو شده نگذارند كه بدست مردم
قلعه در آيد و بتصرف خود در آرند - لهذا در لشكر منادى نمودند
كه از غزنين آذوقهٔ مابين راه بر دارند و بعد مقام پانزده روز كوچ
كرده بترتيب فوج پرداخته هفت فوج قرار دادند و هراول و
برنغار و جرنغار و چنداول مقرر كرده در سه كوچ بقلعهٔ رسيدند
كه از گل ساخته اند و در سرحد واقع است و قزلباش بتصرف خود
در آورده باز از شنيدن رسيدن افواج قلعه را خالي گذاشته رفته بودند -
درين اوان ملك حسن نام زميدار نواح قندهار كه بحسب ضرور
بمحراب خان ملاقات نموده بود از قلعه گريخته خود را نزد سعد الله
خان رسانده ملازمت پادشاه زاده نمود خلعت و خنجر مرصع و ده
هزار روپيه نقد يافت - و چهاردهم جمادى الاولى نزديك باغ گنج علي
مقابل قلعهٔ قندهار رسيده فرود آمده بتهيهٔ فراهم آوردن آلات و
اسباب مورچال بندي و نقب كندن پرداختند - و روز سيوم راجه
بهاو سنگه وغيره جمعي از بندهاي كار طلب طرفي از اطراف
قلعه را خالي ديده بي اطلاع سردار با زينهاى جلادت و كمند
جرأت بطريق فدويان جانباز يكه تاز در فراز و نشيب دامن كوه
و پناة حصار خود را رسانده ملجاي خود ساختند مردم - قلعه‌دار كه
خبردار شدند از سر دادن تفنگ و انداختن حقهٔ آتش و سنگ و
اقسام آتشبازي آن قدر گولهٔ بندوق و انواع آلات جان ستان باريدن
گرفت كه جمع كثير از بندهاي پادشاهي ضائع شدند و آوازهٔ

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

رستخیز عظیم و نائرهٔ دار و گیر پربیم بلند گردید - سعد الله خان
برین معنی اطلاع یافته براجه پیغام داد که اگرچه چنین جرأت
بیحکم نمودن بیجا واقع شد اما الحال از آنجا حرکت نمودن
و برخاسته آمدن باعث شوخی مردم قلعه خواهد گردید باید که
دل را قوی داشته از چوبهای اشجار جنگل پناه ساخته استقامت
ورزند و ما را از اطراف مستعد کومک دانند و درانجا بعد
مشقت و تردد بسیار و ضائع شدن آدم بی شمار مورچال قائم نمودند *

الحال چند کلمه از رویداد حضور بقید تحریر می آرد که
بعد از کوچ پادشاه از حسن ابدال بعرض رسید که شاه وردی بیگ
فرستادهٔ شاه عباس با نامه بکابل رسیده حکم شد که گرز بردار رفته
اورا بحضور بیارد در منزل باغ فرح که خبر آمدن شاه وردی رسید
چون در همان روزها شایسته خان و جعفر خان از احمد آباد آمده
بود حکم فرمودند که اورا نزد شایسته خان و جعفر خان که جوار هم
فرود می آمدند برده در مجلس واحد حاضر سازند و امر نمودند
که نامهٔ اورا نگرفته از زبان ما بگویند که چون مارا نظر بر محبت
دیرینه و موروثی شاه بود یکی از خواصان حضور را قلعه دار قندهار
ساخته بودیم اگر میدانستیم که از ایشان چنان حرکت بظهور خواهد
آمد یکی از امرای رزم دیدهٔ تجربه کار آزموده را قلعه دار می نمودیم
که تا جان باقی داشت در محافظت قلعه خود را معاف نمیداشت
چون خلاف توقع بعمل آمد هرچه عوض دارد گله ندارد - و خبر
روانه شدن شاه قلی با نامه چون قبل از رسیدن خبر محاصرهٔ قندهار
رسیده بود و در همان زودی خبر رسیدن شاه بپای حصار قلعه رسید

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

بنابران حکم نمودند که شاه قلي را در لاهور نگاه دارند فی الواقع هرگاه رشتهٔ محبت و الفت از غبار کدورت آلوده گشته باشد دیگر در فرستادن نامه و رسول و گرفتن آن چه لطف دارد باظهار یکرنگي دورویي منافي رویهٔ اخلاص کیشان سلف است بعده فرمودند که شاه وردي بیگ در جلال آباد رفته توقف ورزد بعد رسیدن کابل هردو فرستادهٔ اورا باعزاز رخصت خواهم نمود درین ضمن پریشاني شاه وردي بیگ بعرض رسید ده هزار روپیه مرحمت نمودند - اوائل جمادی الاولی داخل دارالملک کابل شده روز چهارم بخانهٔ علیمردان خان تشریف بردند از جملهٔ پیشکش یک لک روپیه جنس قبول نمودند *

ذکر سوانح سال بیست و سیوم جلوس مطابق
سنه هزار و پنجاه و نه هجري

غرهٔ جمادی الاخری جشن آغاز سال بیست و سیوم موافق سرانجام سفر صورت اتمام یافت - چون باقي ذکر فسادي که میان نذر محمد خان و عبد العزیز خان و سبحان قلي خان رو داده و بعد هنگامه داروگیر تمام نذر محمد خان بسلطنت خود جاگرفت بتفصیل بتحریر در آوردن درفرصت وقت نمی گنجد ماحصل ضروري بزبان خامه میدهد - بعده که حضرت اعلی خواستند فرزندان و متعلقان نذر محمد خان را نزد او روانه نمایند و نوشتجات نذر محمد خان نیز مکرر براي طلب فرزندان و وابستگان مع مدد خرچ باظهار پریشاني رسیده بود عبد الرحمن را با دیگر همراهان که دو سال و ده ماه در خدمت پادشاه مانده بودند خلعت و خنجر و شمشیر و دیگر

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

مرصع آلات مع اسپ خاصه با ساز طلا و سي هزار روپيه نقد مرحمت نمودند و يک لک روپيه مع فيل روز رخصت متعلقان براي نذر محمد خان بموجب طلب او فرستادند و يك لك روپيه سابق همراه عبد الرحمن و محمد مراد ايلچي بنذر محمد خان روانه ساخته بودند و خسرو پسر نذر محمد خان بسبب دلبندي لذات هند برفتن نزد پدر راضي نشده درجرگهٔ بندهاى پادشاهي در آمد جمله بمتعلقان نذر محمد خان سه لک روپيه مدد خرچ سواي زيور و آنچه بيگمها رعايت نموده بودند لغايت رخصت مرحمت شد *

از واقعهٔ فوج قندهار بعرض رسيد که بهادر خان روهيله که از سر فوجان تهور پيشه بود مرحله پيماى منزل آخرت گرديد و نوكران بيش قرار و معتمد اورا پادشاه زاده و سعد الله خان در جرگهٔ بندهاي پادشاهي و خود منسلك ساختند و هفت پسر ازو مانده بودند ازان ميان دليل خان نام پسر كلان را كه پانزده سال عمر داشت هزارى پانصد سوار نمودند باقي پسران را منصب و يوميه درخور عمر آنها مرحمت فرمودند - هفده نفر از همراهان محراب خان خود را نزد پادشاه زاده رسانده بعطاى منصب و خلعت ونقد سرافرازي يافتند *

الحال بتحرير باقي احوال لشكر پادشاه زاده و حقيقت محاصره مي پردازد از يك طرف جملة الملک سعد الله خان بعد ترددنمايان و كشته شدن مردم بسيار مورچال و نقبهارا تا زير خندق رساند - رستم خان و قاسم خان و ديگر كار طلبان جانباز از طرف ديگر

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

مورچال و نقبها را تا کنار خندق و نزدیك دروازها رساندند اما
چون سهراب خان در جنگهای روم جنگ و قلعه داري بسیار نموده
کار آزما و آزموده کار بود از پای قلعه شب و روز چنان تگرگ گولهٔ
تفنگ و گولهاي زمین کوب توپ و حقهای آتش بار و بانهاي
شرر فشان می بارید که بعد رسیدن مورچال پاي قلعه فرصت تردد
و کار دیگر نمی دادند بلکه اکثر زمین نقب را از ضرب گولهاي
کوه ربا ضائع و نابود می ساختند و در هر یورش چندین هزار
سر سران باتنهاي لشکریان مصالح پر کردن خندق می گردید -
و فائدهٔ تردد بر روي کار نمی آمد - و هر دفعه که قزلباش بر آمده
مقابل طلایهٔ لشکر شده بر مورچال می ریخت از طرفین قتیل
و اسیر می گردیدند و نبردهای عظیم رومي داد گاه از مردم
لشکر بدست قزلباش مي افتادند و بقلعه مي بردند و گاه قضیه
برعکس خود رو مي داد درین ضمن روزی جمعي که از مردم
قزلباش گرفتار شده آمده بودند از زبانیي آنها مسموع گردید که
شاه عباس بعد از رسیدن هرات چند امیر کارطلب رزم جوي خود را
بسرداری مرتضی قلي‌خان قورچي باشي که از جمله بیست امیر
و سي‌هزار سوار مي شوند براي کومک سهراب خان و مقابلهٔ لشکر
هندوستان تعیین نموده ازانجمله سه چهار هزار سوار بطریق قراولان
هراول نزدیک رسیده اند - درین اوان یکي از بندهای قدیم بادشاهي
که در لشکر ایران گرفتار آمده خود را پابند نوکري ساخته بود
بطریق جاسوسي از انطرف تعیین شده داخل فوج گشته نزد قلیچ
خان که سابق از تابینان او بود آمده از رسیدن دو فوج قزلباش
CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

از یمین و یسار و از انجمله دو سه هزار سوار جدا شدن بقصد
تاخت کهي آگاهي داد درین ضمن خبر رسیدن قزلباش و ریختن
برسر کهي بیخبر و مقتول و زخمي ساختن جمعي کثیر و بتاراج
بردن و اسیر نمودن چارپا و آدم بسیار انتشار یافت و معا شتربانان
و فیلبانان و استربانان فریاد کنان رسیدند که فیل و شتر و دیگر
چارپا قطار قطار پیش انداخته بردند - رستم خان که از بهادران یکه تاز
و رستم زمان گفته مي شد برین خبر اطلاع یافته بي آنکه مامور
گردد سوار شده تعاقب قزلباش نمود چهار پنج کروه جریبي تاخته
بخصم رسیده بعد مقابل شدن اول جنگ گوله تفنگ و بان و تیر
بمیان آمد بعده کار بمحاربهٔ یراق کوته رسید از هردو طرف نبردهاي
صعب رو داد و مکرر بر یکدیگر غالب و مغلوب گردیده طرفین داد
تردد و مردانگي بظهور آوردند و مردم بسیار از هر دو طرف کشته و
زخمي شدند - آخرکار فیلان و چند قطار شتر و گاو و استر و اسپ خود و
آنها را هرچه بتوانستند بدست آورده مراجعت نموده نزد پادشاه زاده
آورده مورد آفرین گردید - و صبح آن بتواتر خبر رسید که سي هزار
سوار قزلباش بسرداري چند امیر نامي که از انجمله نظر علي خان
حاکم اردویل و علي قلي خان و مرتضی قلي خان از سپه سالاران
مشهور ایران رسیده اند ازین طرف بار دیگر رستم خان و قلیچ خان
با جمعي دیگر از امرا و راجها و فیلان صف ربا قریب ده هزار
سوار و توپخانهٔ بیشمار مقابل آنها تاختند بعده که علامت سپاه
و گرد سیاه لشکر قزلباش نمودار گردید سادات زره پوش و
افغانان مدهوش و مغلان یکه تاز و راجپوتان رزم طلب هندوستان

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

اسپان بجولان در آوردند و سرداران ایران پا بمعرکهٔ کارزار گذاشتند
اول بواسطهٔ گوله و توپ و بان جان ستان نائرهٔ زد و خورد اشتعال
گرفت و هر سه فوج قزلباش اسپان تاخته و شمشیرهاي آبدار
آخته از اطراف فوج هند در آمده بازار دار وگیر را گرم ساختند
و حملهاي مرد ربا بر روي کار آوردند و از گرد و غبار سم اسپان هردو
طرف جهان در چشم دلباختگان سیاه و تیره گردید و مردان رزم
آزماي جان‌نثار آن غبار را کحل الجواهر دیدهٔ خویش و سرمهٔ دیدهٔ
خوبان تصور نموده توتیاي چشم ساخته شرط جان سپاري بجا
مي آوردند * بیت *

درآمد چنان در فغان کوس کین * که چون نبض مي جست از جا زمین
ز باریدن تیغ آتش فشان * نمی شد برون از تن کشته جان

و فوج قزلباش از چپقلشهاي نمایان کار بر لشکر هندوستان تنگ
آورده چند بار فوج مقابل خود را بر داشته نزدیک بود که چشم
زخم صعب و شکست عظیم بفوج بادشاهي رسانند درینضمن
رستم خان که اسم با مسمی و رستم زمان بود باتفاق قلیچ خان و
راجهاي تهور نشان فیلان مست را پیش رو گذشته زنجیر برپاي
فیلان سواري خود انداخته بدادهي مردم‌دل باخته پرداخته مستانه
وار قدم پیش نهاده شرط ترددي که لائق فدویان جان نثار مي باشد
بجا آورد و بعد بباد فنا رفتن سرهاي بیشمار و کوشش و کشش
بسیار که مبارزان زره پوش خود را بر قلب خصم زدند و مثل
محمد سعید پسر سادات خان و خواجه خان و غیره سرداران نامي
بکار آمدند و جمعي کثیر از مردم غیر مشهور کشته و زخمي گردیدند

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

قدم ثبات قزلباش از جا لغزید و راہ فرار اختیار نمودند و اسپ
و استر بسیار غنیمت بدست آوردہ بخدمت پادشاہ زادہ
مراجعت نمودند - و قبل از رسیدن عرضہ داشت فتح جنگ
از طرف پادشاہزادۂ بانام و رنگ شاہ وردی بیگ را کہ نامۂ شاہ ایران
آوردہ بار نیافتہ در جلال آباد مغضوب گردیدہ در رکاب پادشاہ
همراہ بود بار دیگر زبانی درجواب نامۂ ناخواندہ پیغام دادند
کہ شاہ غفران پناہ شاہ عباس کلان کہ قدردان و اخلاصمند ما بود
و از سي سال رشتۂ اتحاد را مرعي مي داشت از دنیا رحلت
نمودہ هرآنچہ ازان خاندان عالي چشم داشتیم از راہ تقاضای
سال خلاف آن بعمل آمد و طریقۂ بزرگان خود را مراعات
نہ نمودند الحال هرچہ خدا خواهد و از ما برآید بظهور خواهد آمد
و دہ هزار روپیہ دیگر بشاہ وردی بیگ عنایت نمودہ مرخص ساختہ
سزاول همراہ دادہ بقندهار نزد پادشاہ زادہ محمد اورنگ زیب
روانہ نمودند و حکم نوشتند کہ از قندهار نیز گرز بردار همراہ کردہ نزد
شاہ روانہ سازند - آنچہ از صعوبت و مکروهات و گراني و کمیابي
غلہ و کاہ بر لشکر در ایام محاصرۂ قندهار گذشتہ و آخر فائدۂ آن
بظهور نیامدہ بتحریر تفصیل آن پرداختن بطول کلام ملالت انجام
منجر میگردد - و چون خبر شدائد مذکورہ پیهم بحضرت اعلی رسید
و دانستند کہ در امتداد محاصرہ جز تلف شدن سپاہ فائدہ مترتب
نخواهد گردید بپادشاہ زادہ حکم صادر نمودند کہ بتقاضاي مصلحت
وقت همت تسخیر قلعہ را بر سال و وقت دیگر موقوف داشتہ
از پاي قلعہ برخاستہ بیاید - و بپادشاہ زادہ دارا شکوہ فرمودند کہ

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

تا رسیدن خبر پادشاه زاده محمد اورنگ زیب بغزنین در کابل
توقف نماید و خود اوائل رمضان المبارک متوجه دار السلطنت
لاهور شدند همینکه منزل اول شرف نزول واقع شد خبر هزیمت
یافتن قزلباش بعد مغلوب گردیدن افواج پادشاهي که زیاده از حد
تشویش خاطر داشتند رسید باعث تفریح طبع مبارک گردید و
حکم نواختن شادیانه تا سه روز نمودند و بسعد الله خان و رستم
خان و قلیچ خان و همه امرا اضافه مرحمت فرمودند - و پادشاه زاده
بعد از محاصرهٔ چهار ماه که قریب دو سه هزار آدم و چهار پنجهزار جانور
بمعرض تلف در آمدند از پای قلعه برخاسته روانهٔ حضور شدند -
و حضرت پادشاه هیجدهم شوال داخل سواد لاهور گردیدند - و اوائل
ذي القعده دارا شکوه و جملة الملک بحضور رسیدند و وسط ماه مذکور
پادشاه زاده محمد اورنگ زیب رسیده ملازمت نمود و رستم خان با
چند توپ و نشان و اسپان قزلباش رسیده شرف اندوز ملازمت گردیده
مورد آفرین و تحسین گشت و بجاگیر مرخص فرمودند *

از واقعهٔ دار الخلافت بعرض رسید که مکرمت خان حارس
برحمت حق پیوست بجاي او جعفر خان را مقرر فرموده مرخص
ساختند خلیل الله خان را از تغییر جعفر خان میر بخشي نمودند
پادشاه زاده محمد اورنگ زیب را بصوبه داري تهتهه ضمیمهٔ صوبهٔ ملتان
مقرر فرموده مرخص ساختند - دوازدهم ذی الحجه از دار السلطنت
متوجه دار الخلافت شدند علیمردان خان را که از کابل آمده ملازمت
نموده بود بصوبه داري کشمیر سرافرازي بخشیدند و فرمودند که
خود بکابل رفته عبد الغني را بنیابت کشمیر مقرر نماید و یازدهم

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

محرم الحرام [۱۰۶۰] داخل دولتخانهٔ دارالخلافت شدند و همان روز پادشاه زاده محمد مراد بخش از دکهن بسبب نا موافقت هوا و صورت نگرفتن بند و بست بحضور رسیده ملازمت نمود و از اصل و اضافه دوازده هزاري ده هزار سوار دو اسپه و سه اسپه مرحمت فرمودند - و جملة الملک سعد الله خان که از ابتدای نوکري بمدد جوهر ذاتي و موافقت طالع هر ماه و سال برعایت اضافه و دیگر عنایات سربلندي مي یافت بمراتب هفت هزاري هفت هزار سوار پنجهزار سوار دو اسپه و سه اسپه و یازده کرور دام انعام دوازده ماهه که بعد از آصف خان خانخانان هیچ امیر بدین پایه نرسیده بود و سوای پادشاه زادها دوازده ماهه عطا نمي شد معزز و مفتخر گردید *

ذکر سوانح سال بیست و چهارم از جلوس مطابق

سنه هزار و شصت هجري

روز جشن حافظ مومن که از حافظان موسیقي دان مشهور شاه ایران گفته مي شد بحضور رسیده تصنیف بنام حضرت اعلی درست نموده خواند خلعت و ده هزار روپیه نقد مرحمت نموده در زمرهٔ بندهای پادشاهي درآوردند - چون خبر تمرد و مفسدي میواتیان متواتر بعرض رسید کیسري سنگه ولد راجه جي سنگه را براي تنبیه آن جماعهٔ بدسگال مقرر فرموده پرگنهٔ کامان پهاری را بطریق وطن عنایت نمودند - رگهناتهه داس پیشکار سعد الله خان که بجوهر استعداد کاردانی منظور نظر پادشاه قدر شناس گردیده بود بعطاي قلمدان طلا و خلعت پیشکاري باستقلال دیواني تن مفتخر ساختند - راجه

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

کیسوری سنگه که برای گوشمال طائفهٔ بدمآل میوات تعین شده بود
چهار پنجهزار سوار و شش هفت هزار تفنگچي و تیرانداز نوکرساخته
شرط سعي درقطع شجرحیات و استیصال آن قوم خسران مآل
بجا آورده زن و فرزندآنها را اسیر نموده مفسدان بقیة السیف را اخراج
نمود بعد عرض هزار سوار اضافه مرحمت نمودند *

روزي وقت گذشتن اسپان معتاد از نظر قاضي القضات محمد سلیم
که از نزدیك اسپان می گذشت از شوخي یك اسپ پاي ثبات
قاضي بدر رفت و ضرب صعب بپاي او رسید و سه ماه صاحب
بستر گردید بعد صحت چون در همان روزها فراست خان ناظر محل
رخصت کعبة الله خواسته بود و همراه او یک لك و پنجاه هزار
روپیه براي شریف و مستحقان کعبة الله مقرر نموده بودند بعد صحت
یافتن قاضي سلیم نیز برفاقت فراست خان مامور گردید این
معني موافق رای سلیم قاضي محمد سلیم نیامد و از پا بندی
الفت دنیا عذرهای نا مسموع بمیان آورد و حضرت بعد استماع
عذر لنگ او عوض هزاري منصب و خدمت ده هزار روپیه سالیانه
مقرر فرمودند و قاضي خوشحال بجای قاضي سلیم قاضي القضات
حضور گردید *

کفارهٔ کل ایام صیام که عمدا و سهوا خورده شد موافق
شصت سال از عمر شریف بتجویز فقها و فضلا بیست هزار روپیه
بمستحقان و محتاجان رسانده حکم نمودند که هر سال آخر ماه
رمضان سوای سي هزار روپیه که در عوض فطرهٔ روزه و غیرهٔ باهل
استحقاق مقرری می رسانیدند بیست هزار روپیه دیگر به نیت

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

کفارهٔ روزه بضعفا و در ماندگان می رسانده باشند - ملا شفیعای یزدی
که فاضل و شاعر و صاحب طبع تجارت پیشه به بندر سورت از ایران
رسیده بود بمددطالع اوحقیقت او بعرض رسید پنجهزار روپیه خرچ از
خزانهٔ سورت حکم نموده بحضورطلب داشته خلعت واسپ و منصب
هزاری صد سوار عطا فرموده بمجراي دو وقت مامور ساختند - بعرض
رسید که سلطان محمد خان قیصر روم سید محي الدین نام از نبائر
حضرت سید عبد القادر جیلاني رحمة الله علیه را با نامه و تحف و
تبرک روانهٔ بارگاه ساخته وبه بندرسورت رسیده حکم شد که گرز برداران مع
فرمان و خلعت و ده هزار روپیهٔ تنخواه بر خزانهٔ سورت رفته بیارد
و پانزده هزار روپیه حکم بر دیوانیان برهانپور و ماندو و مالوا نمودند -
پادشاه زاده محمد اورنگ زیب با پسران از ملتان آمده ملازمت
نموده بعد چند روز باز مرخص گردید *

غرهٔ ربیع الاول این سال اواخر اسفندار متوجه کشمیر بهشت
نظیر گردیدند و غرهٔ ربیع الثاني که اتفاق جشن نو روز افتاد
بباغ فیض بخش دار السلطنت لاهور شرف نزول فرمودند -
علیمردان خان از کشمیر آمده ملازمت نمود حکم شد که متصدیان
پیشکش نذر روز یکشنبه را تا یک سال بملا محمد شفیع یزدي
میداده باشند - رخصت عبد الرحمن نزد نذر محمد خان پدر او
سابق بقید تحریر در آمده بعد رسیدن نزد نذر محمد خان بحکومت
غوربند مرخص گردید - و یادگار نام را که از امراي نامدار بلخ
بود برفاقت و رسانیدن او مع فوج حضور مامور نمود - سبحان قلي
خان برین معنی اطلاع یافته چون دانست که نزد پدر جمعیت

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

نمانده با سپاه عاقبت تباه برسر پدر و بلخ آمد و نذر محمد خان
محصور گردیده بدفع شر پسر نابرخوردار پرداخت بعده عرصه
بر نذر محمد خان تنگ آورد ناچار نذر محمد خان عبد الرحمن
را از راه بر گردانده نزد خود طلبید - بعده که عبد الرحمن بموجب
امر پدر برگردید ابراهیم بیگ نام منصوب کردهٔ سبحان قلي
خان سر راه او گرفته مانع و بجنگ پیش آمد و ابراهیم بیگ
در مقابلهٔ اول کشته گردید وهمراهان او بر عبد الرحمن غالب
آمدند - لشکر نذر محمد خان با یادگار بیگ فرار اختیار نمود و
عبد الرحمن بدست قلماقان سبحان قلي گرفتار گردید اورا نزد
سبحان قلي آوردند و او برادر را محبوس ساخت - عبد الرحمن
بتقاضاي مصلحت با نگاهبانان خود ساخته وعهد و پیمان رفاقت
و شریک دولت بودن بمیان آورده باتفاق آنها فرار نموده خود را
بخدمت اعلی حضرت پادشاه متوجه احوال و
همراهان او گردیده عبدالرحمن را منصب چهارهزاري پانصد سوار
و بیست هزار روپیه نقد مع اسپ و فیل و مرصع آلات مرحمت
نمودند و همراهان او را نیز موافق تجویز عبد الرحمن در زمرهٔ
بندهاي سرکار در آوردند - وقت توجه از دارالسلطنت طرف کشمیر
پسران نذر محمد خان را در لاهور گذاشتند - چون دران سال گراني
غله و امساک باران عالمي را بنالش آورده بود و شب و روز
چندین هزار دستهاي مستمندان سوي آسمان بر داشته میشد و ناني
بجاني خرید و فروخت میگردید روز کوچ از لاهور از اثر دعاي
ضعفاي نالان دریاي کرم الهي بتلاطم و ابر رحمت بجنبش درآمد

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

تاچند روز آنقدر بارید که یک هفته توقف و مقام نمودن ضرور گردید
عسرت حال مردم بفرحت مبدل شد بل از وفور رحمت الهي
آخر بسبب آنکه رعایا فرصت گشت کار ربیع نیافتند و آنچه کاشتند
از شدت باران سبز نگردید رعایاي پرگنات خالصهٔ پادشاهي دروقت
تشخیص جمع باستغاثه آمده امین متدین خدا ترس طلب نمودند
و به سعد الله خان حکم شد که چند روز متوجه شده خود بفریاد و
وا نمود رعایا و احوال مالگذاران پردازد - محمد صفي پسر اسلام
خان که نزد عادل خان براي وصول باقي پیشکش سنوات و دیگر
بعضي مطالب رفته بود در تقدیم حسن خدمت کوشیده از نزد
عادل شاه جواهر آلات و زر نقد پیشکش و چهل فیل مع ساز طلا که
جمله چهل لک روپیه نقد و جنس براى پادشاه باشد و پنج لک
روپیه نقد و جنس براي ملکهٔ جهان پادشاه بیگم و پانزده لک روپیه
جواهر آلات و نقد و فیل براي دارا شکوه آورده بایک لک و پنجاه
هزار روپیه نقد و پنج فیل و قدري جواهر که بمحمد صفي تواضع
نموده بود از نظر عالي گذرانده مورد عنایات گردید و شش لک
روپیه نقد و جنس که بسید باقر ملازم پادشاه زادهٔ ولیعهد که همراه
محمد صفي رفته بود داده بود نیز از نظر گذشت - پادشاه زاده
محمد اورنگ زیب را صوبه دار مالوا ساخته مرخص نمودند و
خود تفرج کنان و شکار افگنان منازل و مراحل صعب پر از برف
کشمیر را بصعوبت تمام طي نموده گاه آخر روز و گاه پهر شب رفته
با خدمهٔ محل بمنزل میرسیدند تا آنکه آخر جمادي الاخرى
بسوارى کشتي بکنار شهر کشمیر رسیده لاله و ریاحین آن سر زمین

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

بهشت نشان را رونق تازه روئي دوبالا بخشيدند و هر شب و هر هفته
همراه خدمهٔ محل بر کشتيهاي مزين بانواع پردهاي زربفت و
ستونهاي منقش از لاجورد و قبهاي طلا و مرصع سوار شده سير و
تفرج روي آب تالاب ڈل و اقسام گل باغات و دشت و کوه و در و
بام آن مکان فيض بخش که همه يک لخت گل و سبزهٔ زمرد فام
بود مي نمودند دامن دامن زر بانعام باغبانان و ملاحان مرحمت
مي شد و مستحقي نمانده که در کشمير صاحب نصاب نگرديد -
حسب التماس امير الامرا علي مردان خان بسير باغ و عمارات
ساختهٔ او تشريف بردند از جملهٔ پاي انداز و پيشکش علي مردان
خان يک لک و سي هزار روپيه نقد و جنس بدرجهٔ قبول در آمد -
ملا شاه بدخشي که ذکر او سابق بتحرير در آمده و از حق آگاهان
وقت و زبان زد خاص و عام کشمير بود بديدن پادشاه آمد و روز
ديگر پادشاه درويش نواز از روي نياز مع ملکهٔ زمان پادشاه بيگم که
بخرچ مبلغ چهل هزار روپيه مکان انزواي آن واصل بالله ساخته بود
و بيست هزار روپيه ديگر خرچ کرده عمارات ديگر متصل آن براي
ديگر فقرا تيار نموده بودند تشريف بردند و پانزده هزار روپيه نذر براي
بزم درويشان گذرانده زماني در خدمت آن درويش حق پرست
صحبت داشته سخنان پند بگوش هوش شنيده بر خاستند -
ملتفت خان را ديواني صوبهٔ خانديس و برار عنايت فرمودند *

ذکر سوانح سال بيست و پنجم از جلوس شاه جهان
مطابق سنه هزار و شصت و يک هجري

شاعر هندي که از صاحب طبعان مشهور و مقربان حضور بود

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

کبت بنام پادشاه گفته گذراند فیل ماده و دو هزار روپیه مرحمت
نمودند - چون درین سال ابتدا از امساک باران وآخر از شدت باریدن
آن اکثر مکانهاي گل و سبزه از طراوت و رونق اصلي افتاده بود و
اشجا را ثمار کمبار و خشک گشته بودند سیر کشمیر دلپذیر پادشاه
بي نظیر نگردید و فرمودند که من بعد چنان باغات ومکان با صفاي
دارالخلافت و دارالسلطنت گذاشته با این همه صدمات که به بندهاي
خدا میرسد این مسافت بعیده براي حظ نفس خود طي نمودن
و بایذاي خلق راضي شدن از طریقهٔ خدا پرستي دور است -
و بعد از فراغ و انقضاي دو ماه غرهٔ رمضان اواخر مرداد از کشمیر
کوچ فرموده متوجه دار الخلافت شدند - و سعدالله خان مامورگردید
که چند روز براي انتظام مقدمات مالي و ملکي در کشمیر مانده
زود خود را بدار السلطنت رساند - در منزل آصف آباد وقت عبور
از بالاي پل آب دریا که کهنه بسیار شده بود از سبب ازدحام مردم
شکست و قریب دو صد و پنجاه آدم و جانور و مال بسیار در آب
افتاد و از انجمله قریب صد نفر غرق بحرفنا گردید - بعد رسیدن
نزدیک دارالسلطنت که سعد الله خان نیز بحضور رسیده حکم شد
که رستم خان و دیگر امراي دور و نزدیک و راجهاي نامدار با
مصالح توپخانه براي مهم قندهار بحضور برسند و بنام نامي
پادشاه زاده محمد مراد بخش نیز درین باب فرمان بدستخط خاص
صادر گردید پادشاه زاده دارا شکوه و خسرو و عبد الرحمن پسران
نذر محمد خان ملازمت نمودند - بلاهور که شرف نزول واقع شد
سید محي الدین ایلچي روم رسیده نامهٔ قیصر را مع دو اسپ

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

با ساز طلا و مرصع و مروارید و عباي مروارید باف و پنج اسپ
از طرف خود بگذراند پانزده هزار روپیه مع خلعت و اسپ
و خنجر و جیغه باو مرحمت نمودند - بعرض رسید که نذر محمد
خان که عازم بیت الله گردیده بود در راه ودیعت حیات نمود
پسران اورا خلعت ماتمي عنایت فرمودند - نامه عربي در جواب
قیصر روم که بدستیاري قلم سعد الله خان نوشته شد باجیغه و
شمشیر و پرتلهٔ مرصع بقیمت لک روپیه حوالهٔ سید محي الدین
نموده دوازده هزار روپیه نقد و اسپ مع ساز طلا وقت رخصت
دادند - قاضی احمد سعید را با دو لک روپیه نقد و جنس براي
شریف و مستحقان کعبة الله همراه سید محي الدین مرخص
ساختند - بعرض رسید که راجه بیتهلداس رخت هستي ازین
سرا بر بست ده لک روپیه نقد و پنج لک روپیه را جواهر و فیلان
و دیگر اموال که ازو مانده بود بپسران او معاف فرمودند - شیورام
پسر کلان اورا اضافه و خطاب راجگي و اسپ و فیل عنایت نمودند -
رستم خان بهادر بموجب حکم که از جاگیر خود مع یک کرور روپیه
از خزانهٔ سرکار براي مهم قندهار روانه شده بود بحضور رسیده ملازمت
نمود - لطف الله و عنایت الله پسران سعد الله خان که تا حال
شرف اندوز ملازمت نگشته بودند همراه محلهٔ لشکر سعد الله خان
ملازمت نمودند - لطف الله را تسبیح مروارید و عنایت الله را سر پیچ
مرصع عنایت فرمودند - چهار هزار سوار و هزار برقنداز و پانصد بیلدار
و تبردار از نوکران سعد الله خان در محله بشمار در آمدند مورد
آفرین گردید - صد و یک اسپ برستم خان مرحمت شد و لهراسپ

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

خان را از اصل و اضافه پنجهزاري نموده بخطاب مهابت خان و
عطاي صوبهٔ کابل معزز ساختند و نجابت خان با یک کرور روپیه
از خزانهٔ اکبرآباد بموجب حکم رسیده ملازمت نمود - پادشاه زاده
محمد اورنگ زیب مطابق حکمي که بتعیین ساعت از حضور
مقرر شده براي مهم قندهار شانزدهم ربیع الاول از ملتان بر آمده بود
بعد عرض پنج لک روپیه نقد و پنجاه هزار روپیه را جواهر و دو اسپ
و دو فیل با ساز طلا و نقره مع خلعت و جیغهٔ بیش بها مصحوب
محمد صفي نزد پادشاه زاده روانه فرمودند - و سواي امراي که
همراه آن درة التاج تعینات بودند بیست و یک امیر عقیدت
گزین فدویت آئین که هریکي شیر بیشهٔ رزم گفته مي‌شد از حضور
با خزانهٔ نا معدود و مصالح زیاد از قیاس قلعه گیري روانه ساخته
مامور فرمودند که از راه ملتان خود را بقندهار رسانده روز یکشنبه
سویم جمادي الاخری که اواخر اردي بهشت باشد ساعت
بتجویز اختر شناسان رکاب مقرر ساخته خود را بپائین قلعه رسانده
بمحاصره پردازد - و نیز مقرر شد که سعد الله خان خود را براه کابل
در همان تاریخ رسانده با پادشاه زاده ملحق گردد و شانزدهم
ربیع الاول مطابق اوائل اسفندار خود متوجه کابل شدند - و همان
روز که ساعت مسعود بود سعد الله خان را با پنجاه هزار سوار و
ده هزار پیادهٔ برقنداز و چند هزار بان و بیست توپ کلان قلعه
شکن و بیست توپ میانه و بیست هتنال و ده فیل جنگي
مست و صد شتر نال و دو کرور روپیهٔ خزانه و دیگر لوازم قلعه گیري
با بیلدار بیشمار روانه ساختند و آنچه باید براي دواندن نقب و

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

ساختن دمدمه و پیش بردن مورچال ارشاد فرموده تاکید نمودند
که در ساعت مقرری که مذکور شد خود را رسانده محاصره
نماید - و جمله فوج هفتاد هزار سوار سائر سواي توپخانه که شش صد
امیر و منصبدار نامی و روشناس باشند مقرر و تعین شدند و
برستم خان و همه امیران اضافه و خلعت و اسپ و فیل و جواهر
مرحمت نموده مرخص ساختند و حکم فرمودند که قریب کرور روپیه
درطلب و سه ماهه پیشکي بمنصبداران و تابینان امرا و توپخانه درکابل
بدهند و ارشاد نمودند که اول در تسخیر قلعهٔ بست و زمین‌داور
و غیره کوشند که باعث تزلزل دل مردم قلعه گردد - و پادشاه خود
کوچ کنان منزل بمنزل طي مسافت نموده در دو ماه و چهار روز که
روز چهارم جمادی‌الاولی باشد شرف نزول درکابل نمودند - و سعدالله
خان کوچ بکوچ طی منازل می نمود تا آنکه اول جمادی الاولی
بموجب حکم و تعین تاریخ نزدیک بقندهار بخدمت پادشاهزاده
رسیده باتفاق بمحاصرهٔ قلعه پرداختند - عبد الرحمن پسر نذر محمد
خان را از روی کم‌توجهی تعینات بنگاله نمودند - امام‌قلی یوز باشي
از لشکر ایران جدا شده نزد سعد الله خان آمده روانهٔ حضور
گردیده ملازمت نمود پنجهزار روپیه مع اسپ و خلعت و انعام
مرحمت نموده در جرگهٔ بندهای پادشاهی در آوردند *

اکنون کلمهٔ چند از تردد بمحاصرهٔ قندهار و پیش بردن مورچال
و ساختن کار بتدگار می آرد - بهادران کار طلب از چار طرف در
مکانی که گوله رس نبود فرود آمدند و شروع بدواندن نقب
و نسق مورچال نمودند خصوص سعد الله خان نسبت بهمه

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

امیران کارزار دیده زیاده شرط تردد و جلادت و تدبیر بکار برده.
باتفاق راجپوتان تهور نشان بگرد آوری مصالح نقب زدن و مورچال
دواندن کوشیده نشانهٔ گوله توپ و تفنگ و سنگ خود را ساختند -
بعد دار و گیر و محاصرهٔ چند روز قلعه دار تغافل نموده چنان
بند و بست نمود که اصلا صدای آدم و تردد محصوران ظاهر نمی
گردید هرچند که لشکر هندوستان در پاي حصار آمده باظهار تهوري
ترددات رستمانه مي نمودند ناشنیده و نادیده انگاشته از قلعه صدا
بلند نمي ساختند تا آنکه مردم مورچال رستم خان و وزیر اعظم
و دیگر امرا بپاي حصار و نزدیک خندق رسید روزي راجه راجروپ
که از صاحب ترددان مشهور بود آمده ظاهر ساخت که مکاني
در مابین حصار نزدیک خندق و برجي بنظر آمده و مورچال
بآنجا رسیده که قابوي یورش و بالا برآمدن دارد و پاسبانان بروج
غافل و بیخبر معلوم مي شوند اگر ماذون سازند با جمعي از همراهان
جانباز و مدد زینه و کمند خودها را همراه کرناچي بالا برسانیم لشکر
مسلح و مکمل چشم بر راه و گوش بر آواز کرنا باشد و بروقت یورش
نمایند وزینه بسیار تیار نگاه دارند بعده که از پادشاه زاده و سعد الله
خان اذن حاصل شد راجه وقت شب با چند نفر یکه تاز جانباز
که در فن قلعه گیري از کار آزمایان مشهور بودند بانواع تدبیر قدم
جرأت گذاشت و پیش قدمان جان نثار مار صفت بالای حصار
برآمده باشارهٔ مقرری لشکر جانباز را طلبیدند و بهادران بي تابانه
بکمند جانبازی بحرکت درآمدند و صدای کرنا بلند گردید محصوران
که از چند گاه چشم بر راه و گوش بر آواز چنین قابو بودند از اطراف

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

مهتاب روش ساخته باقسام آلات آدم کشي بر سر آن بذگاه تاخته
چندان توپ و تفنگ و بان سردادند و حقهٔ آتش و سنگ و روغن
جوشان و انواع مصالح مرد ربا از بالا ریختند که آن جماعه بر سر
برج رسیده و نارسیده جان باخته به تبدیل هئیت بیاران خود
بي منت مدد قدم و کمند پیوستند و مسلمانان و راجپوتان بسیار
بکار آمدند که تفرقه نمودن دشوار مي نمود و هرکه آن طرف دیوار
و کنار برج خود را رسانده خبرش باز نیامد و هر طرف از کشتها
پشتها پدید آمد و آن قدر آدم کشته و زخمي گردیدند که بشمار در
نیامدند و ازان روز تا دوماه و هشت روز بازار پیکار بالا و پائین بمرتبهٔ
گرم بود که هرکه سر از مورچال بر مي داشت در همان دم جان
مي باخت و قزلباشان شبها بر آمده بر مورچال مي ریختند آدم
و چار پا ضائع مي نمودند و از هردو طرف آدم کشي و مردم کشی
درمیان بود روزی از گولهٔ توپ‌کلان طرف سعدالله خان چهار پنج نفر
نامي محصوران که با محمد بیگ توپچي باشي نشسته تردد مي
نمودند یکجا خوابیدند شبي بر مورچال رستم خان و سعد الله خان
جمع‌کثیر قزلباش ریخته‌کشش زیاد و شوخي بسیار نموده بعضي توپها
را ناقص ساخته و جمعي را اسیر کرده باز راه قلعه گرفتند و هر چند
که از اطراف خبردار شده تعاقب نمودند چون از بالای قلعه باران
آتش مي بارید در تلافي کاري نساختند - و چندانکه بهادران جانباز
و جان نثاران یکه تاز شرط تردد بجا مي آوردند و مورچال نزدیک
مي رساندند فائده نمي بخشید و از ضرب توبهاي کوه ربا که پیهم
مي رسید محنت و تردد سرداران ضائع مي گردید - دریں ضمن، وتوپ کلان

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

پادشاهي ترکیدند و در مقابلهٔ توپ اندازان بیخطای قلعه که هم رومي
و قزلباش حکم انداز بودند توپ اندازان هند کاري نمیتوانستند
ساخت - وتسخیر قلعهٔ بست و زمین‌داور نیز بسبب اختلاف راي
سرداران باوجود ترددي که مي بایست بظهور نیامد و دیگر ترددات
که از قلعه دار پخته کار بر روي کار آمد اگر بتحریر تفصیل آن پردازد
بطول کلام منجر میگردد - حاصل کلام چون این اخبار ملالت اثر بسمع
پادشاه رسید و ایام محاصره بامتداد کشید و مصالح توپخانه رو
باتمام آورد و در همین اوان معروض گردید که ازبکان کم فرصت و واقعه
طلبان نا هنجار ازبکیه اطراف غزنین را تاخت و تاراج مي نمایند
و جان و مال رعایا بمعرض تلف مي آرند فرمان بدستخط خاص
مشتمل بر طلب پادشاه‌زاده و موقوف داشتن این مهم بر اوقت دیگر
صادرگردید - بعد رسیدن پادشاه زاده محمد اورنگ زیب بحضور اختیار
چهار صوبهٔ دکن داده مرخص ساختند - و صوبهٔ احمد آباد بشایسته
خان عطا نمودند - و بپادشاه زاده داراشکوه از اصل و اضافه سي هزاري
بیست هزار سوار ضمیمهٔ دو کرور دام انعام و صوبه کابل مرحمت
نمودند - نیابت کابل بنام سلیمان شکوه مقرر کرده از اصل هشت
هزاري چهار هزار سوار نموده خیمهٔ سرخ که لغایت آن روز بسلطان
زادها حکم نبوت عطا فرمودند - و از طرف دارا شکوه نیابت ملتان
بمحمد علي خان مقرر گردید - پادشاه زاده محمد شجاع را به بنگاله
مرخص ساختند *

از وقائع بندر سورت بعرض رسید که غلام رضا نامي از ایران
با چند سراسپ عراقي رسیده دستك بمهر والي ایران بدین مضمون

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

دارد که غلام رضا نامي ملازم اله وردي خان اسپي چند براي او
مي برد احدي مزاحم نشود و دستک مذکور بجنس بحضور
فرستادند بعد عرض حضرت اعلی را مظنهٔ آن شد که اله وردي خان
با پادشاه ایران و منسوبان آن خاندان رسل و رسائل دارد براي او
بدین وسیله اسپان آمده اند حکم شد که غلام رضا را مقید ساخته
اسپان و آنچه دارد ازو گرفته روانهٔ حضور سازند و اله وردي خان را که
در حضور بود از منصب برطرف ساخته از کابل اخراج فرموده
بدار الخلافت که خانهٔ او بود روانه ساختند - هر چند که اله وردي خان
قسمهاي شدید را شفیع ساخت فائده نه بخشید - و فاضل خان را
که براي تحقیق امر نمودند بعرض رساند که غلام رضا نام وقتي از
جملهٔ نوکران او بود بعد برطرف شدن بایران رفته باظهار دروغ خود
شاید دستک حاصل نموده باشد اما این عذر مسموع نگردید *

ذکر سوانح سال بیست و ششم مطابق سنه هزار و شصت و دو هجري

بعد رسیدن سعدالله خان از قندهار وسط ماه مبارک رمضان روانهٔ
دار الخلافت شدند مرشد قلي خان را بدیواني کل دکن و محمد صفي
پسر اسلام خان را به بخشیگري و واقع نگاري دکن مامور و مرخص ساختند
اگرچه هر دو نام برده بانواع خوبي و صفات موصوف بودند اما در
تعلقهٔ دکن محمد صفي در اکثر مقدمات بر منصبداران سختي نموده
بناي بعضي بدعتها گذاشت و مرشد قلي خان بندوبست دیواني
را بدستوري که در عهد اکبر پادشاه تودرمل بناي دستور امور ملکي
گذاشته بود در دکن سررشتهٔ و ادارهٔ تشخیص جمع مال و تعیین تفریق

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

جنس اقسام غله و بقولات آنچه از باران بهمرسد و هرچه از آب چاه
و کاریز پیدا شود نظر بر قیمت هر جنش و دستور بنای پیمودن
اراضی که بیگه و پرتن و سین و بسوه باشد نوعی نموده که تابقای
روزگار دستور العمل عمال و زمیداران خواهد ماند - پانزدهم في قعده
در باغ فیض بخش لاهور فرود آمدند میرزا رستم قندهاری را
بسبب ضعف پیری و امتداد بیماری هزار روپیه سالانه مقرر کردند -
میرزا ابراهیم ادهم خواهر زادهٔ تقرب خان از ایران آمده شرف اندوز
ملازمت گردید گویند میرزا ادهم که در نجابت و شرافت ذاتی و
تحصیل علم و دیگر کمالات صوری و معنوی و طبع موزون از مشهوران
اعیان ایران گفته می شد در آغاز جوانی بهندوستان آمده بعد
ملازمت چون مرکوز خاطر پادشاه بود که اورا بهمسری یکی از
صبیهای خود سرافرازی بخشند تقوب خان را که خالوی او می شد
برای تربیت او مامور ساختند اما میرزا که از اصل مادهٔ سودا در
دماغ او جا گرفته بود نمی خواست که پا بند تاهل گردد و ابا
نمودن از پاس ادب دور میدانست زیاده خود را بدر جنون زده
کلمات لغو و مطایبهای شوخی آمیز با خالو و دیگر امیران بمیان
آورده بمرتبهٔ خویش را در هرزه گوئی و امرد پرستی مشهور
ساخت که مکرر پادشاه فرمودند افسوس باین کمال میرزا بحال
خود نمانده - از اشعار رنگین او سفینها پرست از زبان راوی ثقه
شنیده شده که در حالت سکرات که اشک ندامت بر تلف شدن عمر
از جشمهٔ چشم او جاری بود حضار مجلس گفتند میرزا خدا را
یاد کن دران وقت بدیهه این شعر از زبان او بر آمد * بیت *

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

ایکه میگوئي فراموشش مکن در وقت مرگ

من که مي میرم برایش چون فراموشش کنم

خسرو ولد نذر محمد خان را از منصب برطرف ساخته لک روپیه سالیانه مقرر فرمودند - بخانهٔ علیمردان خان تشریف بردند دو لک و بیست هزار روپیه از جملهٔ پیشکش قبول نمودند - دارا شکوه التماس نمود که امیدوار است که مهم تسخیر قندهار بعهدهٔ غلام مقرر شود قبول نموده سه ماه و نه روز در لاهور توقف فرموده اکثر مصالح قلعه گیري که ازانجمله ده توپ کلان و سي و هفت توپ هوائي خورد و سي هزارگولهٔ خورد وکلان و چهاردهٔ هزار بان و سرب و باروت و غیره برین قیاس تیار و موجود ساختند و بنجاره را برای رسانیدن رسد استمالت فمودند اواخر ربیع الاول که اوائل اسفندار باشد ساعت کوچ و هفتم جمادي الاخری تاریخ محاصرهٔ مقرر فرموده از خلعت و شمشیر و خنجر مرصع و دیگر مرصع آلات و اسپان و فیلان با ساز طلا و مینا و نقره بقیمت چهارلک روپیه وقت رخصت عنایت فرمودند و سواي آن بیست لک روبیه از نقد و جنس مساعدت مرحمت شد و از امراي نامدار و راجهاي جلادت آثار و بهادران رزم آزما و دلاوران معرکه آرا از حضور و متعینهٔ کابل و دیگر اطراف صوبجات که اکثر در محاصرهٔ سابق رفته بودند مجموع هفتاد هزار سوار منصبدار و تابین و پنجهزار برقنداز و سه هزار احدي تیرانداز و ده هزار پیادهٔ بندوقچی و شش هزار بیلدار و تبردار و پانصد سنگ تراش و نقب کن و پانصد سقا و هفت توپ کلان و هفده توپ هوائي و سي توپ خورد و شصت فیل

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

جنگي مست انتخابي سواي فيلان پادشاه زاده و امرا كه جمله صد و هفتاد فيل بشمار آمدند و ديگر از بان انداز و گوله‌انداز و غيره سر انجام قلعه گيري كه تعداد آن تحصيل حاصل است با يک كرور روپيه خزانه كه در ركاب موجود بود همراه دادند و عليمردان خان را مع محمد ابراهيم نام پسر كه بخطاب ابراهيم خان سر افرازي يافته بود و هفت هزار سوار تعين و مقرر ساختند و فرمودند كه بكابل رفته تا انفصال مهم در امداد و معاونت ارسال رسد و ديگر لوازم قلعه گيري كوشد *

ذكر سوانح سال بيست و هفتم از جلوس صاحبقران ثاني مطابق سنه هزار و شصت و سه هجري

مير احمد ولد سيادت خان را بخطاب مير احمد خان و فوجداري نصير آباد و غيره توابع خانديس و سيف الله عرب را بتعلقهٔ فوجداري مصطفى آباد عرف چوپرهٔ صوبهٔ مذكور مرخص ساختند پادشاه زاده را براه ملتان و توپها را براه نزديك هموار باچند هزار بيلدار و غيره و فيلان كوه پيكر روانه ساخته خود پادشاه در بيست روز بملتان رسيدند و چند روز براى سرانجام ضروري توقف در آنجا نموده و خدمهٔ محل را در ملتان گذاشته مرحله پيماى سمت كابل گرديدند و رستم خان كه بطريق هراول با مصالح قلعه‌گيري و دوازده هزار سوار و چند امير نامدار پيش قدم بود هفتم جمادي الاخرى موافق تعين ساعت از حضور خود را بپاي حصار قندهار رسانده بقصد محاصره سپاه را طرف خندق و برج و باره نمودار ساخت و جوانان يكه تاز و ازبكان قزاق اسپان را بجولان در آورده تيز جلوها

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

نمودند و خود نمائیها بروي کار آوردند و قزلباش نیز بي باکانه
از قلعه برآمده با هم آمیخته مصافحهٔ پیکار نموده خواجه خان را
باجمعي از ازبکان مقتول و زخمي ساختند و چند نفر نیز از مردم قلعه
کشته شدند و آن روز رستم خان رو بروی دروازهٔ قلعه دورتر از گولهٔ رس
فرود آمد و روز دیگر سوار شده با فوج آراسته براي ملاحظهٔ اطراف
قلعه و تجویز مورچال و دواندن نقب تا سه روز جلوه‌گر بود و
پادشاه زاده بعد طي منازل دشوار گذار و عبور کتلهاي تنگ و
نا هموار نزدیک بقلعه رسیده براي ساعت هفت روز از قلعه دور
فرود آمده براي ملاحظه و تجویز اسباب قلعه کشائي سوار می‌شد
بعده که نزدیک باغ میرزا کامران فرود آمدند و رستم خان را با
دیگر امراي کار طلب جابجا تعین نموده مورچال قسمت نمودند
و همراه هریك از توپخانه و غیره مصالح قلعه گیري بتقسیم درآمد
و هریکي در تردد کندن و دواندن مورچال بزور بازوي خود و مدد
بیلداران چابکدست سعي موفور بظهور می آورد خصوص محمد
جعفر میرآتش که نسبت بهمه امیران صاحب داعیه پیش قدم و
زیاده از همه ساعي بود پر کلان برسر میزد روزي یکي ازهمدمان
گستاخ ازو پرسید که چنین پر کلان برسر زدن چه لطف دارد در
جواب باظهار فدویت گفت که روز یورش بهمین پر پریده خود را
بقلعه خواهم رساند - آنچه تردد درپیش بردن مورچال و کندن
نقب از بهادران کوه کن و جوانان قلعه شکن بظهور آمد و جانفشانیها
که بعرصهٔ کارزار آوردند اگر بتحریر تفصیل آن پردازد از راه اختصار کلام
دور مي افتد چنانچه بعد ذکر تسخیر قلعهٔ بست و غیره از توابع قندهار

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

چند کلمه از تدبیر جانبازان و سعي لاحاصل کوه کنان بتذکار خواهد
آورد چون حکم اعلی حضرت بود که اول خاطر از تسخیر قلعجات
تعلقهٔ قندهار جمع باید ساخت تا تزلزل تمام در دل محصوان راه
یابد رستم خان را با نجابت خان و راجهاي کار طلب جمله بیست
امیر و پانزده هزار سوار و احدي و برقنداز بسیار براي تسخیر قلعهٔ
بست تعین فرمودند چون لشکر بپاي قلعه رسید از هر طرف تردد
نمایان بظهور آمد و گولهاي توپ و تفنگ و زنبورک آتش بار
گردید از زمین و آسمان رعد هیبت افزا زمین و زمان را بزلزله
درآورده تا ده روز مهدي‌قلي قلعه دار ثبات حوصله بکار برد بعده که
توپ کلان قلعه کشا روبروی برج دروازه برده چند گولهٔ خانه بر انداز
بر در دیوار قلعه زدند قلعه دار بزنهار و التماس آمان در آمده کلید
قلعه را گرفته نزد رستم خان آمد و مردم پادشاهي بضبط اموال و
اذوقه تعین شدند و رستم خان تفقد بسیار بحال مهدي قلي خان
قلعه دار مبذول داشت چون پسر مهدي قلي‌خان که حارس‌قلعهٔ
کرسنگ بود باوجود که رستم خان نوشتهٔ پدر او مشتمل بر اینکه
الحال محصور بودن و جنگ نمودن فائده ندارد چنانچه من قلعه
را حواله نموده مامون‌گردیدم تو هم اطاعت نما حاصل کرده فرستاده
بامید واریها نزد خود طلب نمود او ابتداءً قبول ننموده بعد جنگ
چند روز قلعه را خالي گذاشته فرار نمود میر محمد برکي را
قلعه دار آنجا ساخته مهدي قلي را مع مال‌ و عیال نزد پادشاه‌زاده
ذو الاقبال روانه نمودند - درین اوان چون نوشتهٔ ملک حسن نام
یکي از امیران که متضمن برشکوهٔ حضرت اعلی و رجوع بشاه

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

ایران نوشته بود جواب آن بدست جاسوسان پادشاهي افتاد خانهٔ
او را بضبط در آورده بي منصب ساخته محبوس نمودند و تسطیر
باقي سوانح که از رستم خان براي تسخیر دیگر قلعجات و تنبیه
مفسدان آن ضلع بظهور آمد و آخر فائده براي علت غائي
آن نداد قلم را رنجه نداشته بتحریر چند فقره که در محاصرهٔ
قندهار بظهور آمده مي پردازد - بعد رسیدن خبر تسخیر قلعجات
و رفتن رستم خان بدون خاطر جمعي از تسخیر باقي قلعجات
براي تنبیه مفسدان نواح بحضرت اعلی خلاف مرضي دانسته
تاکید پیاپي براي تسخیر قندهار صادر فرمودند راجه راجروب
و محمد جعفر میر آتش و اکثر بندهاي عقیدت نشان بساختن
دمدمهٔ فلک‌اساس و دواندن‌نقب پرداختند و پادشاه‌زاده داراشکوه
امرا را طلبیده باظهار وعده و وعید تهدید آمیز مي فرمودند که
مرا محمد اورنگ زیب تصور ننمائید که دو بار از پای این حصار
فتح نانموده برخاست تا آنکه قلعه را بتسخیر نیارید یکي از شما را
زنده نخواهم گذاشت که روي زن و فرزند خود به بینید و محمد
جعفر در تردد بکمال اظهار فدویت و عقیدت بیشتر ازانکه درحوصلهٔ
بشریت گنجد ساعي بود والتماس مي نمود که بعد تصرف
آمدن قلعه بهر صورتی که باشد یک نفس و احد محصوران را زنده
نخواهم گذاشت چنان نشود که بعد رجوع و الحاح آن جماعه
طریقهٔ ترحم را کار فرمایند و جان بخشي نمایند - پادشاه زاده
مي فرمودند که ما پادشاهان را دریای رحمت گفته اند در صورت
رجوع خصم ترحم نمودن ضرور است و هرچند کار نقب و مورچال

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

بپایکار و نزدیک بخندق و حصار مي رسید بضرب گولهٔ توپهاي
پي در پي ضائع و باطل میگردید خصوص محمد جعفر دمدمهٔ
عالي که بخرچ یك لك روپیه بارتفاع بیست و هفت درعه و
طول هفتاد و پنج درعه تیار ساخته ده توپ عالم آشوب بالاي آن
آورده شروع بزدن گولها طوی حصار نمود و از دمدمهاي دیگر
نیز گولهاي توپ هوائي و بان اندرون قلعه میرسید و خرابي بسیار
از جان و مال بمحصوران میرسید - از جملهٔ ضائع و کارنامه که یکي
ازگوله اندازهاي حکم انداز پادشاهي نمود آنکه روبروی دولت خانهٔ
پادشاه زاده از بالای قلعه توپي را مجرا بسته پیهم آتش میدادند
و مکررگولهٔ آن نزدیك کارخانجات متصل خیمه افتاده آدم و اسپ
ضائع می‌ساخت تا آنکه از توپ اندازان بیخطای هندوستان درمقابل
آن توپي را چنان مجرا بسته آتش داد که دهن آن توپ قلعه را
شکست و چند روز ازان توپ اثر صدا ظاهر نشد بعده از همان مکان
ناگهان گوله مي آمد و نشان توپ سواي برخاستن دود آن ظاهر
نمي گردید آخر از زباني یکی از محصوران که بقید آمده بود
معلوم گردید که سرآن توپ را بریده قسمي بر دمدمهٔ نواحداث
گذاشته بودند که وقت آتش‌دادن سوای‌دود و صدا اصلا سراو مرئي
نمیگشت و اول روز و آخر روز ازان ده دوازده گوله سر میدادند
الحاصل چه جانفشانیهای نمایان که از بهادران عقیدت نشان بظهور
نیامده و چه تعبیه و تدبیرهاي جان بازان که دران محاصره جلوه
گر نگردیده تا آنکه آبهاي خندق را به تردد تمام دزدیدند و از افتادن
گولهٔ هوائي دریکي از انبار باروت خانهٔ قلعه آتش در گرفت و

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

جمعي که دران کارخانه بودند با سقف خانه پریدند و جان سپاران
تهور پیشه که چند بار در مقابل گولهای آتش بار یورش نموده
آنچه شرط انتهاي جان نثاري و جلادت بود بجا آوردند و آخر کار
کاري نساختند بتحریر تفصیل آن عنان کمیت خامه را معطوف
داشتن تحصیل حاصل است اما رشید خان عرف محمد بدیع که
دران مهم درخدمت پادشاه زاده همراه مهابت خان تعلقهٔ
دیواني داشت بطریق وقائع رویداد محاصره مي نوشت و بعرض
پادشاه زاده رسانده انعام گرفت و آن تاریخ را مسمی بتاریخ قندهار
ساخته و آنچه از بعضي وقائع دران درج نموده اگرچه زبان خامه
را جرأت بیان آن نیست اما اصلا ترک ذکر آن نمودن خلاف
طریقهٔ مورخان صداقت بیان دانسته کلمهٔ چند مي نگارد - گویند
سلطان سلیمان شکوه بدستور اطفال شجاعت پیشه بازی بازي قلعه
از ریگ ساخته برج و باره دران قرار داده از چوب توپها بران برج
و حصار چیده جمعی را بجاي قزلباش درانجا محصور قرار داده
یورش نموده بعد بلند ساختن صدای داروگیر و سر دادن تفنگهاي
خالي قلعه فتح نموده حکم بنواختن شادیانه فرمودند و امرا نذر
گذرانده تسلیمات مبارک باد بجا آوردند - بعده که بعرض پادشاه‌زاده
رسید خود سلیمان شکوه را طلبیده زبان بمبارک باد کشوده
خلعت عنایت نمودند و همه امرا آداب تهنیت بتقدیم رساندند -
محمد جعفر روزي بعرض رساند که چند روز ست صداي آدم و
آثار تردد از قلعه ظاهر نمي شود و بوی گند مردها مي آید
ظاهرا بسبب طاعون و وبا قلعه‌دار با اکثر رفقا و سپاه ودیعت حیات

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

نموده بعده بشغف تمام یورش نمودند و تا رسیدن بهادران قلعه
کشا پاي برج حصار ندا و صدا از قلعه بر نیامد بعده که کار بکمند
بستن و بالاي حصار برآمدن رسید یکبار توپخانه باقسام آلات آتشبازي
بغرش در آمد و چند هزار گوله و سنگ کوه ربا از بالا باریدن گرفت
و آن قدر سوار و پیاده دران یورش پاي حصار بکار آمدند که تا
چند روز وارثان آنها از ملاحظهٔ باریدن تگرگ بلا از بالا قادر بر برداشتن
لاش مردها نبودند و راجپوتان بتلاش بسیار شبها هیمها بر
مردهای خود از دور انداخته همانجا آتش می دادند •
دیگراز ساده لوحي پادشاه زاده و بعضي هوا خواهان نوشته
که روزي محمد جعفر دو دعوتي ریش سفید پشمینه پوش ردا
بر دوش را نزد پادشاه زادهٔ با هوش آوردند و عرض نمودند که اینها
بمراقبه رفته از احوال عالم خبر میدهند و پادشاه زاده هردو را
باعزاز تمام نزد خود نشانده اقسام بوي خوش حاضر ساختند
آن هردو غواص بحر معرفت سر بمراقبه فرو برده یکي از آنها
بعد از مدت سر از جیب تفکر بر آورده گفت که من سیر کنان
وقتي بصفاهان وارد شدم که صداي واویلاي واقعهٔ شاه ایران
بلند شده بود - درین ضمن دیگري سر بالا نموده بر زبان آورد که مرا
در حالتي گذر بر اصفهان اتفاق افتاد که شاه عباس را بخاک
مي سپردند چون از زبان الهام بیان هردو صاحب حال آن مژده
بگوش سامعان رسید محمد جعفر و دیگر امرا بشکر این نوید گویا
شدند - وازغرائب دیگر بتحریر آورده که محمد جعفر یکي از ریاضي
دان صاحب کمال محیل را آورده بعرض رساند که این مرد در
CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

تسخیر جن و فن تکسیر دست تمام دارد التماس مینماید که اگر یک
لولی که بچنین و چنان شکل و شمائل موصوف باشد با قدری
شراب دو آتشهٔ سه ساله و بعضی مصالح مطلوبهٔ دیگر عنایت
فرمایند از خون بدن آن لولی و شراب چند هزار نقش نوشته
بعضی جنها را که محکوم منند با لشکر آنها بتسخیر در آورده برای
مغلوب و منکوب ساختن محصوران مامور می سازم درین مابین
ایام که بچهل روز نخواهد کشید لشکر قاهره در یورش سعی موفوره
بکار برد که جنیان نیز بمدد پردازند پادشاه زاده برای سرانجام دادن
مصالح مطلوبه محمد جعفر را مامور ساختند - از شهرت این خبر
لولیان لشکر رو پوش شدند تا آنکه بسعی تمام آنچه مطلوب و
مرغوب او بود موجود نمودند تا انقضای ایام موعود که امید مفتوح
شدن قلعه بزور سر پنجهٔ مبارزان قلعه کشا داشت در خلوتخانهٔ
خاص تعیش می نمود بعده که ایام وعده بسر آمد و دانست که از
یورشها فائده مرتب نمی شود و بخیه برروی کار می افتد از ملاحظهٔ
سرزنش و انفعال از لشکر فرار نموده خود را بپای حصار قلعه نزدیک
دروازه رسانده رومال امان گردانده مامون گردیده بقلعه در آمد و نزد
قلعه دار بردند بعد استفسار احوال وجه خوراکی او مقرر نمودند چون
اجل آن محیل مکار سر گشتهٔ روزگار رسیده بود گاه گاه بر سر دیوار و
کنار برج و حصار آمده تفرج می نمود و با مردم لشکر پادشاهی
تکلم میکرد و قزلباشان که از شنیدن اوصاف او متوهم بودند بر
وسواس آنها افزود و اورا از پشتهٔ بالای قلعه بزیر انداختند و بسزای
اعمال رسید - و مکرر محمد جعفر بعرض می رساند که امروز فردا

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

قلعه دار با همراهان اسیر پنجهٔ قهر بهادران خواهد گشت باید که ترحم بحال آن طائفهٔ بدسگال ننموده حوالهٔ می نمایند که بانواع زجر سیاست تمام نمایم و بجزای کردار رسانم پادشاه زاده می فرمودند که ما پادشاهانیم ما را لذت عفو جرائم زیاده از انتقام و مکافات اعمال مجرمان می باشد *

القصه یورش دفعهٔ پنجم نهم شوال اواخر شب مقرر فرمودند نردبانهای آسمان پایه و زینهای گردون رفعت تیار نموده و دیگر تعبیه و مصالح یورش موجود ساخته جویای قابو بوده یکپاس شب مانده جوانان کار آزما و بهادران قلعه کشا آنچه شرط جد و جهد بود بکار برده بکمند همت خود را بالای دیوار قلعه رساندند رستم خان و لشکر خان و ایرج خان و محمد جعفر با جمعی از راجپوتان مصدر تردد جان بازی گشته از بالای دمدمها و پائین حصار از زدن بانهای آتش فشان و انداختن گولهای خانه بر انداز جان ستان غوغای حشر انگیز بر انگیختند و از هر طرف چندین هزار گولهٔ توپ و تفنگ و زنبورک بکومک یورش بهادران برای سراسیمه ساختن محصوران اندرون قلعه میزدند و دیوارهای که هر روز بضرب گولهٔ توپ می انداختند شب محصوران بر می داشتند آن شب فرصت بر داشتن آن نیافتند - و عبدالله بیگ و محمد جعفر هر دو برادر چندان فریاد برای ترغیب پردلان نمودند که از بستگی صدا قادر بر حرف زدن نبودند تا آنکه صبح پرده از روی کار برداشت و از بالا نسبت بشب زیاده گولهٔ توپ و تفنگ و ساچمه و پارچهٔ آهن و پل سیاه و چادر روغن نفط زده

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

و آتش گرفته و سنگهای خورد و کلان چون تگرگ آسمان باریدن گرفت و فرصت سر بر داشتن و تردد نمودن نمي دادند و جمعي کثیر از سادات بارهه و مغلان و راجپوتان و افغانان دلاور نشان نشانهٔ هدف تیر اجل گردیدند و جمعي زخمي گشته افتان و خیزان راهي که با شکال تمام رفته بودند بسرعت تمام طي نموده مراجعت نمودند و سواي مردم غیر مشهور چندین از روشناسان مثل خواجه خان و ضیاءالدین خان بخشي احدیان و محمد شریف عرب و تیمور بیگ و لعل بیگ و محمد حسین پسر میر یوسف و محمد سعید کاشغري و دولت خان و راجه مانسنگه وغیره بیست و پنج امیر و راجپوت با نام و نشان بکار آمدند و احدي بسیار جان نثار گشتند وهمچنان در خندقها که نقبها ازانجا سر برآورده بود و درین روز بامید افتتاح کار بقصد پیکار تهور پیشگان کار طلب بامید یافتن اضافه خود را بدان رسانده بودند غرق دریای غیرت و مرحله پیمای راه عدم گشتند آن روز زیاده از دو هزار کس ره نورد بادیهٔ فنا گردیدند پادشاه زاده رستم خان را با دیگر امرا طلبیده از روی اعتراض فرمودند که ما مکرر می فرمائیم که ما را به برادر اورنگ زیب نسبت ندهند که بی تسخیر قلعه روي باز گشت داشته باشیم همه درجواب باطاعت امر حاضر جواب گشته از سر نو در نقب دواندن و دمدمه ساختن و مورچال پیش بردن پرداختند و هر روز چندین تن نامداران از هر دو طرف بی سر می گردیدند خصوص از مردم پادشاهي بسیار ضائع و تلف مي شدند و هنرمندان عرب و عجم و هند تختها و چوبها تعبیه نموده بریسمانهاي تدبیر بسته بران نشسته خود را به پناه و

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

جوف زیر کوه که گوله آنجا نمی رسید رسانیدند محصوران مطلع
شده روغن نفط بسیار در خیکها پر نموده برابر و محاذی آن تختها
فرود آوردند بعد آن بزدن تیر آن خیکها را چنان سوراخ نمودند که
روغنها بران چوبها پاشیده شد و لحاف و پارچهاي کهنه را چرب
نموده آتش زده بر سر چوبهاي در از بسته بران تخته و چوبها رسانده
تختها را با ریسمانها بل با راکبان می سوختند و نقبها از کنار خندق
تا زیر دمدمه رسانده خاکهاي دمدمه را چنان می دزدیدند که تا
خبردار مي شدند دمدمه بصورت چاه مبدل می گردید - در تاریخ ایران
مذکور است که محراب خان در مدت ایام محاصره دروازهٔ قلعه را
هرگز نه بست *

حاصل کلام بعده که مدت محاصره از پنج ماه گذشت و
مصالح سرب و باروت و گوله بآخر رسید و در لشکر و صحرا غله و
علف نایاب گردید و از آسمان برف باریدن آغاز نمود و زمینها تختهٔ
یخ بست و آدم بسیار و چارپایهٔ بیشمار از گرسنگي و سرما تلف
شدند حقیقت بحضرت اعلی رسید فرمان بدستخط خاص صادر
گردید که برخاسته آیند - لهذا رستم خان قلعهٔ بست را که بتصرف
در آمده بود ویران و مسمار ساخته ذخیرهٔ ماکولات آنجا را بمردم
قسمت نموده مصالح توپخانه را با خود گرفت - اواخر ذي قعده
پادشاه زاده از پای حصار کوچ نموده چون ملاحظهٔ تعاقب
قزلباش و شوخي افغانان بود توپخانه را با مردم زیاد بهیر با غیرت
خان پیشتر بغزنین روانه ساخته خود چند مقام نمودند و بعد کوچ
در هر منزل از شوخي قزلباش و دیگر مفسدان آن نواح مضرت

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

بسیار بحال مردم عقب و اطراف فوج میرسید تا آنکه بملتان رسیدند و در آنجا چند روز آرام گرفته اوائل محرم الحرام داخل دار السلطنت لاهور شدند *

الحال بگذارش احوال حضور مي پردازد که محمد صالح پسر خالهٔ شاه عباس را هزاری دوصد سوار منصب عطا نمودند *

ذکر سوانح سال بیست و هشتم از جلوس مطابق
سنه هزار و شصت و چهار هجري

از عرضه داشت محمد اورنگ زیب بر مژدهٔ تولد فرزند مبشر گشته مسمی بمحمد اعظم ساختند - محمد ابراهیم آخته بیگی را بخطاب اسد خان سرفرازي بخشیدند - و اعتقاد خان را که بسبب مرض دائمي استعفاي منصب نموده بود سالیانه مقرر کرده بودند بعد حصول صحت از دار السلطنت بحضور رسیده بمنصب چهار هزاري و پانصد سوار و خدمت بخشي گری بدستور سابق مفتخر گشت - بعرض رسید که مسجد قلعهٔ اکبر آباد که ازسنگ سرخ حکم شده بود در مدت هفت سال بخرچ سه لک روپیه اواخر سال بیست و هشتم جلوس باتمام رسیده لهذا اواخر ذي حجه متوجه مستقر الخلافت شده شانزدهم محرم داخل قلعه گشته روز جمعه نماز ادا نموده ده هزار روپیه بمستحقان آنجا رساندند - اواخر محرم بعد زیارت مقابر مهد علیا و بزرگان دیگر بدار الخلافت مراجعت فرمودند - بعرض رسید که غریب داس برادر رانا جگت سنگه که درحضور بود بیحکم برخاسته بوطن رفت فرمودند که از منصب و جاگیر برطرف نمایند - چهاردهم صفر داخل دولتخانهٔ دار الخلافت شدند -

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

پادشاه زاده دارا شکوه که از قندهار مراجعت نموده بحضور رسیده بود
بموجب حکم سعد الله خان و اسد خان استقبال نموده ملازمت
فرمودند مورد الطاف بیغایات گردید - از عریضهٔ متصدی بندر
سورت بعرض رسید که سلطان محمد خان قیصر روم ذو الفقار آقا نام
را که مع نامه و تحف بدرگاه والا روانه نموده بود به بندر سورت
رسیده فرمان مع حکم دوازده هزار روپیه مدد خرچ مصحوب
گرز بردار بنام ذو الفقار و متصدی سورت صادر فرمودند و پنجهزار
روپیه از نزد سرافراز خان فوجدار ندربار و سلطان پور و دوازده هزار
روپیه از دیوان برهانپور و از اجین پنجهزار و از خزانهٔ اکبرآباد دوازده
هزار روپیه تنخواه نمودند و حکم فرمودند که سوای آن صوبه داران از خود
رعایت نمایند - محمد جعفر را که در محاصرهٔ قندهار تردد نمایان
ازو بظهور آمده بود بالتماس پادشاه زاده دارا شکوه مخاطب
به برق انداز خان ساختند - پادشاه زاده محمد مراد بخش از صوبهٔ
مالوه بحضور رسیده بصوبه داری احمد آباد و اضافه سه هزاری سه
هزار سوار که از اصل و اضافه پانزده هزاری ده هزار سوار پنجهزار
دو اسپه و سه اسپه باشد و یک کرور دام انعام مفتخر ساخته چهار لک
روپیه نقد مرحمت فرموده مرخص ساختند *

ذکر سوانح سال بیست و نهم از جلوس مطابق سنه هزار و شصت و پنج هجری

غرهٔ جمادی الاخری جشن سال بیست و نهم بدستور هر سال
زینت یافت و هریک از امرا و صلحا فرا خور قسمت کامیاب
گردید - بعده که ذو الفقار آقا ایلچی روم نزدیک رسید حکم شد که

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

لشکرخان بخشي وطاهرخان باستقبال رفته آورده ملازمت فرمایند -
و نامهٔ قیصر را با دو اسپ مع ساز طلاوزین مروارید دوز و گرز مرصع
که از اسلحهٔ خاص سلاطین آن ملک می باشد و کمر و خنجر مرصع
با نه اسپ از طرف خود گذراند - حضرت اعلی باعزاز تمام نامه را
گرفته ذو الفقار آقا را خلعت و خنجر مرصع و سي هزار روپیه نقد
و سه پیالهٔ ارگجه مع پاندان طلا عطا نموده در خانهٔ از منازل سرکار
که دران همه از ما یحتاج موجود ساخته بودند فرود آوردند - چون
در همان ایام جشن طوی سلیمان شکوه با صبیهٔ پسر راجه گجسنگ بمیان
آمد دران جشن مبلغ سي هزار روپیه از سرکار و بیست و پنجهزار
از طرف شاه زاده و پانزده هزار روپیه از طرف ملکهٔ دوران نواب
قدسیه جمله هفتاد هزار روپیه مع دیگر جواهر آلات که مجموع لك
روپیه نقد وجنس باشد بذو الفقار آقا مرحمت نمودند - و قائم بیگ
نام از بندهای زبان دان و سخن فهم که بزبان ترکي و عربي
بفصاحت تام آشنا بود همراه ذو الفقار آقا ایلچي مقرر نمودند و
یك خنجر مرصع مع علاقهٔ مروارید بیش بها و زمرد آبدار که
لك روپیه قیمت داشت و کمر مرصع بقیمت چهل هزار روپیه و دو
هزار پارچهٔ زري و ساده تحفهٔ بنگاله و احمد آباد و برهانپور بقیمت
لك روپیه و شیشه پر از پنجاه توله عطر جهانگیري که از چهار هزار
روپیه زیاده ارزش آن ایام داشت وتحف دیگر و نامهٔ عربي انشای
وزیر بي نظیر سعد الله خان حوالهٔ قائم بیگ نمودند - چون وقت
رخصت از زباني ذوالفقار آقا خبر شدت و طغیان آفت طاعون و وبا
در اسطنبول معلوم شد تسبیح صد دانهٔ جواهر که امام آن زهر مهرهٔ

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

تحفهٔ بی بها داشت و همیشه در بازوي پادشاه می بود با ارمغان دیگر ضم ساختند - مجموع تا لغایت رخصت ذو الفقار آقا سه لک روبیه بهمه جهت رعایت بعمل آمد ودو لک و پنجاه هزار روپیه سواي جنس و تسبیح زهر مهره براي قیصر روم ارسال داشتند - و قائم بیگ را وقت رخصت بعنایت مبلغي از نقد و جنس معزز ساختند و همراه همان هر دو ایلچي خواجه خان (122) را با لک روپیه جنس خرید احمد آباد و بندر سورت روانهٔ مکهٔ متبرکه ساخته ثلث آن جنس را براي شریف و باقي براي مستحقین و فضلای آن مکان شریف مقرر گردند - و گلیم خوش باف طرح جانماز کار ملتان موافق طول و عرض مسجد مدینهٔ منوره که فرمایش نموده تیار ساخته بودند حوالهٔ خواجه خان نمودند - چون از جملهٔ پیشکشهای عادل شاه فیل کلان کوه شکوه بقیمت شصت هزار روبیه با ساز طلا از نظر گذشت کمر مرصع بقیمت سي هزار روپیه براي عادل شاه روانه فرمودند - و همچنان چهار فیل نر و دو فیل ماده با ساز طلا و جواهر آلات پیشکش قطب الملک معرفت عبد الصمد خان از نظر گذشت و بعطاي خلعت و پانزده هزار روپیه و دیگر عنایات سرافراز گردید و فرمودند - فرمان لطف آمیز بقطب الملک برنگارند ٭

ذکر سوانح سال سي ام از جلوس مطابق سنه
هزار و شصت و شش هجري

مرشد قلي خان را که سابق دیوان بالاگهات دکن بود دیوان

---

(122) ن - خواجه ضابط ٭

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

مستقل چهار صوبهٔ دکن ساخته براي پرداخت و آبادي ملک مفتوحهٔ حال و محال ویران گشتهٔ سابق نظر بر جوهر و وقوف کارداني او تاکید زیاد فرمودند (123) مرشد قلي خان بعد رسیدن

---

(123) از لفظ مرشد قلي خان تا لفظ بیرون است که در سطر اول صفحه ۷۳۶ چاپ شده بعوض آن در یک نسخه عبارت ذیل بوده است *

بر طالبان اخبار چگونگي وضع روزگار مخفي نماند که ولایت پر وسعت شش صوبه دکن از قدیم ملک بود زر خیز سیر حاصل که دستور تشخیص جمع مال بر سر بیگه شمار و پیمودن زمین بجریب و تقسیم غله نموده گرفتن درمیان نبود چنان مقرر بود که هر یکي از دهاقین و مزارعان که بیک قلبه و یکجفت گاو آنچه می توانست کشت کار می نمود و هر جنسي از حبوبات و بقولات که میخواست میکاشت بر سر قلبه قلیلي باختلاف بلاد و پرگنات در سرکار میداد باز پرس کمیت بهم رسیدن غله و غیره درمیان نمي آمد بعده که بمرور ایام بتصرف چغتا در آمد از آفات غیر مکرر روزگار پرگنات و دیهات رو بویراني گذاشت و روز بروز ویران تر مي گردید و رعایای مال گذار از ملاحظه در آمدن ملک بقبضه اقتدار مغلان متفرق گشته رو باوطان نمي آوردند - مرشد قلي خان که از ترکان متصدي پیشه سیاق دان فهمیده کار با دیانت باکثر اوصاف حمیده موصوف بود بدستور تودرمل که در عهد فردوس آشیاني اکبر پادشاه دستور العمل ملک هندوستان گردیده بود بپرداخت ملک و گرد آوري

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

دکن تردد و سعي در پرداخت و استمالت رعايا و آبادی ملک
آنچه بکار برده و تمام اراضي بنجر و مزروع کل محالات به پيمايش
در آورده از سر نو نظر بر محصولات جنسي که از غله و فواکه

رعاياي متفرق گشته کوشيده جا بجا امينان فهميده کار خدا ترس
و عمال کاردان متدين تعين نموده ابتداء اراضي اکثر پرگنات را
به پيمودن در آورد که نام آن رقبه خوانند بعده تفريق قابل زراعت
و کوه و ناله که بکار قلبه راني نيايد نمود و هرجا مقدم نداشت و
وارثان مقدم قديم آنجا از صدمات حوادث ليل و نهار مفقود الاثر
بودند مقدمي آنجا را بمردمي که جوهر استعداد آبادي و پرداخت
حال رعايا داشته باشد مقرر نموده خلعت داده سرگرم کشت کار
ساخت و براي خريد گاو و ديگر مايحتاج زراعت مبلغ از سرکار بطريق
تقاوی بمقدمان حواله نموده فرمود که سر فصل باقساط بوصول در
آرند و سه عمل قرار داد اولا سر بسته تشخيص که در زمان قديم بوده دوم
بتائي يعني تقسيم غله نموده گرفتن و آنرا باز منقسم ساخت بسه
قسم اول آنکه هرچه از آب باران تا هنگام درو بمراد رسد هرجنس
که باشد بالمناصفه مقرر نمود يعني نصف سالم برعايا برسد و نصف
درسرکار بضبط در آيد ديگر هرجنسي که از آب چاه بمراد رسد اگرجنس
غله خريف و ربيع باشد سيوم حصه از سرکار و دو حصه که دران اخاذي
وظلم را دخل نباشد براى رعايا مقرر نمود و سواى غله هرچه از
جنس اعلى مثل انگور و نيشکر و کيله و خشخاش و زرد چوب و زيره
و اسبغول و غيره بهم رسد نظر برخرچ آبکشي و امتداد ايام بمراد

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

و ترکاری از باغات یعني از آب چاه و کاریز و آب باران بهم میرسیده
ربع همه را از روی جز رسي و غور که براحدي میل و حیف نروه
گرفته دستورالعمل نقدی و بتائي قرار داده در افزوني محصول و مال

رسیدن آنجنس مختلف از نهم حصه گرفته تا چهارم براي سرکار باقي
براي رعیت قرار داد سیوم آنچه از آب کاریز و نهرها که از دریاها
بریده آورده بزراعت آب میدهند براي تقسیم آن برخلاف جنس جاي
بکم زیاد مختلف داخل دستور العمل نمود و عمل سیوم در مقابل
تشخیص سربسته و تفریق بتائي جریب مقرر فرمود یعني ربع
هر جنس از حبوبات و بقولات و جنس اعلي گرفته نظر بر نرخ
و کمیت بهرسیدن حاصل مزروع نموده في بیگه دستور نمود که بعد
پیمودن زمین از هر جنس بقرار مختلف بازیافت نمایند این وجه
مقرري که في بیگه از هر جنسي بگیرند در سه چهار صوبه ملک
دکن بدهارهٔ مرشد قلیخان شهرت دارد گویند بسیار میشد که مرشد
قلیخان وقت جریب نمودند نظر بر اینکه بر رعایا حیف و میل
بعمل نیاید و در ربع و تخمینا گرفتن غبن فاحش نشود خود
سر ریسمان یکطرف جریب میگرفت ازین جز رسي و پرداخت
روز بروز افزوني آبادي ملک و محصول مال مي افزود دیگر
دانست که اطراف ملک دهلی و اکبر آباد مراد ازینکه خوردکه
رعایاي پرگنات میان همدیگر و باحکام و عمال داد و ستد دارند هزار
و دو صد درعه شاه جهاني است و بیگه دفتري سه هزار و ششصد درعه
مکسر مي باشد که مراد از سه بیگه رعیتي یک بیگه باشد و باز

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

سرکار و پرداخت حال رعایا کوشید چنانچه سابق هم بزبان قلم داده
تا بقای آبادي ملک دکن دستو العمل عمال و زمینداران مانده از

بیگه که بایمه داران از طرف پادشاهي در فرامین درج میگردد و
آنرا بیگه الهی خوانند پنجهزار و چهار صد درعه کسري بالا میشود
و هر بیگه را بیست حصه نموده هر حصه آنرا بسوه خوانند و تمام
مدار کشت کار و حساب سرزمین اطراف صوبه جات توابع
شاه‌جهان آباد بر بیگه است و در دکن مختلف است هرچند که
در صوبه جات دکن نیز آخر حساب بیگه بعمل می آید اما بیشتر
بر آوت در دفاتر ثبت میگردد و حساب آن چنین است که در
خاندیس چهار بیگه رعتي را که مراد از هر بیگه سه هزار و شش
صد درع مکسر باشد و دران ملک ازین خورد تر بیگه نمي باشد یک
پرتن نامند و بیست پرتن را که هشتاد بیگه باشد یک آوت گویند
و در صوبه برار و اطراف ان هشت بیگه را یک نیتن خوانند و ده
نیتن را یک آوت گویند باز لفظ آوت اطلاق نمایند براسم قلبه
مطلق و هر مزارعی که یک جفت گاو داشته باشد و هرچه تواند بدان
جفت گاو قلبه راني نماید ان را نیز آوت گویند دیگر باصطلاح
دهاقین دکن که دفتر پرگنات نیز ثبت میگردد مقابل محصول
زراعت محصول باغات می نامند یعني هر قطعه زمین که حاصل
انجا از اب چاه بهم رسد خواه جنس غله باشد و خواه نیشکر یا غیره
جنس اعلی باشد ان را باغات مي خوانند - بازعنان کمیت خامه را
طرف تحریر مطالب معطوف میسازد - بعرض سید که عزیز بیگ الخ*

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

احاطهٔ شرح و بیان بیرون ست - بعرض رسید که عزیز بیگ بدخشي
که از بندهاي روشناس پادشاهي بود با هفتاد نفر نامي براي
کدخدائي طرف پیشاور که جاگیر داشت مي رفت یکي از
مفسدان آن ضلع که با او عداوت داشت بلباس دوستي و ادعاي
مهمانداري سر راه او آمده بخانهٔ خود برده فرود آورده اطراف را
مسدود ساخته بر سر او ریخته با پانزده نفر منصبدار و سي چهل
نوکر خود او بقتل رساند - به بهادرخان ناظم پیشاور حکم تنبیه او
و دیگر مفسدان آن نواح صادر شد و بهادر خان براي استیصال آن
جماعه دو هزار سوار تعین نمود باوجود که مفسدان درهاي قلب را
پناه خود ساخته چهار پنج روز نائرهٔ قتال گرم داشتند و بسبب
برف و راه قلب مردم بسیار پادشاهي بکار آمدند قریب پانصد
نفر مفسدان که اکثر از الوس مشهور بودند بقتل رسیدند و شتر و
گوسفند فراوان بدست مردم بهادرخان آمد و خانهاي آنها را
سوختند و بعضي باسیري درآمدند *

و سعد الله خان که ازو وزارت و کار و بار ملک هندوستان
رونق گرفته بود بسبب عارضهٔ قولنج که بچهار پنج ماه کشیده
و خود پادشاه مکرر بعیادت او تشریف بردند اواخر جمادي الاخراي
این سال ازین سراي فاني بروضهٔ جاوداني انتقال نمود - لطف الله
پسر کلان او پانزده سال عمر داشت بمنصب هفت صدي
صد سوار سر افرازي یافت - باقي فرزندان اورا با دیگر وابستها
یومیه مقرر نمودند - و یار محمد همشیره زادهٔ اورا سه صدي
شصت سوار منصب عطا فرمودند - و عبد النبي نوکر عمدهٔ

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

صاحبمدار جاگیر اورا هزاري نمودند - و بآکثر نوکران روشناس
سعد الله خان فرا خور حالت منصب مقرر شد - سعد الله خان
غفره الله که سواي کمالات صوري و معنوي صفات ذاتي بسيار داشت
و بهترين صفت او باعتقاد محرر اوراق بل همه نصعت پيشگان
با هوش آن بود که بکمال ديانت و امانت قسمي مهمات ملکي را
سرانجام داد که در مدت وزارت او هرگز قلم او بر بناي بدعت و
مردم آزاري که لعنت و بدنامي آن تا روز حشر بر باني آن مي ماند
جاري نگرديد بلکه در دفع و رفع مقدمات و محاسبات که دران نقصان
عامل و رعايا و مساکين نباشد ميکوشيد - گويند روزي وقت
محاسبه يکي از عمال چون سابق ضابطه بود که وجه حق التحصيل
که في صد بعمال و تحصيلدار مجرا مي دادند منجمله صد روپيه
محسوب مي نمودند بخاطر سعد الله خان رسيد که بدستور
هندوان صرافان وجه حق التحصيل را بالاي صد روپيه جمع نموده
در خرچ محسوب نمايند مثلا سابق عامل را از جملهٔ صد روپيه
تحصيل که پنج روپيه تحصيلانه سند مي دادند پنج روپيه
مجرا گرفته نود و پنج روپيه واصل سرکار مي ساخت سعد الله
خان نظر بر کفايت سرکار دستخط مقرر نمود که بعده که صد و پنج
روپيه کروريان تحصيل نمايند پنج روپيه مجرا گرفته صد روپيه در سرکار
واصل سازند از بناي اين بدعت مدتها نادم بود و مي گفت
کاشکي آن روز دستم خشک مي شد و بقلم گيرا نمي گرديد - آري
بر عقلا ظاهر و مبرهن است که کفايت در اجراي بدعت و مردم
آزاري نمي باشد بلکه در پرداخت ملک و جذب قلوب و دلدهي

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

رعایا باعث اگرد آوری خزانه و مادهٔ نیکنامي وزرا مي گردد - و دارا شکوه که با سعد الله خان سوي مزاج داشت روزی بعرض رساند که سعد الله خان پرگنات ویران کم حاصل در تیول ما داده و محال جید براي خود گرفته چون سعد الله خان برین معني اطلاع یافت وکیل پادشاه زاده را طلبیده هرچه دیهاي آفتي که بسبب عمال ظالم پادشاه زاده رو بویراني گذاشته بود نوشته گرفته بجاگیر خود گرفت و عوض او جاگیر خود را بتجویز وکیل در تنخواه پادشاه زاده تن نمود و در یک دو سال دیگر همان محال زیاده از سابق خراب و کم حاصل گردید - از جملهٔ دستخطهاي که سعد الله خان بر فرد هاي بدر نویسي مستوفي نموده دو دفعه را بقید قلم مي آورد - راجه تودرمل در زمان اکبر بادشاه مقرر کرده بود که اگر از صد کمتر فاضل عامل و کروریان باشد مستوفیان مجرا ندهند و از صد بالا فاضل کروریان و عمال محسوب گردد در عهد شاه جهان پادشاه مستوفیهاي شرارت سرشت یک قلم در مجرا دادن فاضل عاملان وقت مي نمودند بعده که فرد محاسبه بسعدالله خان رجوع شد دستخط نمود که اي مستوفي مثل هندي مشهور است لینا لینا دینا دینا هرگاه ضابطهٔ سرکار چنان قرار یافته باشد که از صد بالا فاضل مجراست چرا به بدعت و دعاي بدعاقبتي براي خود و ما راضي میشوی - دیگر بر فرد باز یافت بدرنویسي کروریان محال خالصه دستخط نموده که این منارهٔ برف را پیش آفتاب بدارند هرچه بعد تموزآن باقی ماند باز یافت نمایند - دیگر بر عقلاي جهان دیده ظاهر است که هر ظلم و حیف و میلي که از حکام و ارباب ریاست

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

برضعفا و مظلومان میرسد و هر احسان و خیرکه عائد حال مستمندان
مي گردد دعا و نفرین موافق کردار آن بفرزندان او مي نمایند ازان
است که از زمان قدیم لغایت حال از روي تواریخ آنچه بمطالعه
درآمده و درمدت پنجاه و دو سال که مسود اوراق بعد تمیزآمد مشاهده
مي نماید هیچ ظالم خود عاقبت بخیر نگشته و فرزندان او از طرف
رزق و آبرو بمراد دل نرسیدند بل نام و نشان آن جماعه در ده بیست
سال برصفحهٔ روزگار نماند - و اولاد سعدالله خان لغایت حال که هفتاد
و چهار سال از زمان وفات اوست همه عاقبت محمود و فراخ
روزي و نیکنام زیست نمودند و مي نمایند - خصوص دربن دور
که انسانیت و کمال مروت معدوم الوجود گشته و امیر زادها
که معلمان متعدد و اتالیقهاي مستعد مدتها صرف اوقات در
تربیت آنها مي نمایند بمرتبهٔ از طریق آدمیت بیگانه واقع مي شوند
که سواي جوشیدن درصحبت بي کمالان مادر آزار و پدر بیزار و اوباش
وضعان ضائع روزگار اصلا بمصاحبت صاحب کمالان با وقار و
دانشمندان صلاح شعار راضي نمي شوند چه استعداد و کمالات
فن ایشان سرود خواني و نواختن طنبوره و فهمیدن دهرپت و
کبت و دوهره است وکسب دیگر کمالات را درد سر محض میدانند
و باوجود بهم رساندن خط وسواد که پدران شان مبلغهاي خطیر
بخرج ملایان در آورده صاحب سواد نموده اند همین که سواد خط
بر چهرهٔ شان نمودار گردید کتاب بدست گرفتن و مطالعهٔ تفسیر و
حدیث و کتب لغت و تاریخ و مشق خط و مربوط نویسي را از
جملهٔ فعلهاي لغو لا حاصل مي شمارند و نام جد و آباي خود را

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

چون سطر غلط و ورق قلم خورده از صفحهٔ روزگار حک ساخته اند و باندک گردش لیل ونهار خود شان نیز از گم نامان عالم مي گردند همه از اثر دعاي مستمندان ستم رسيده است که در درگاه منتقم حقيقي دعاي سحر خيزان بدرجهٔ اجابت ميرسد و تير آه دلهای پر خون کار مي سازد *

راي رگهنات را که پيشکاري خالصه و تن سرانجام ميداد و خالي از جوهر رشد نبود و اثر تربيت سعد الله خان از کار گذاری او ظاهر ميگرديد مامور فرمودند که تا تعين ديوان کل مقدمات وزارت را سرانجام دهد و از اصل و اضافهٔ هزاری چهار صد سوار و خطاب رای رايان سر افرازي يافت - چندر بهان که در مطلب نويسي بي نظير تربيت کردهٔ افضل خان بوده و چندگاه دارا شکوه بخدمت پادشاه التماس نموده با خود گرفته رفته بود باز از شاه زادهٔ بلند اقبال گرفته بخدمت دارالانشا و خطاب راي چندر بهان بر ديگر منشيان هنود امتياز بخشيدند - محمد صفي خان بخشي واقعه نگار دکن را از کمي منصب و گرفتن خطاب و عزل خدمت معاتب ساخته بجای او مير جعفر استرابادی را مقرر ساختند و بمحمد صفي حکم شد که سي لک روپيه منجمله پيشکش قطب شاه که مجملي تفصيل آن بزبان قلم داده خواهد شد در دولت آباد گذاشته باقي بحضور بيارد - و چون حقيقت تعدی که از طرف قطب شاه بحال مير جمله و محمد امين پسر او که از نوکران عمده و کار طلبان معتبر او بودند عائد گرديده بعرض حضرت اعلی رسيده بود و حکم عالي در باب عدم مضرت و روانه

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

نمودن میر جمله مع پسر بحضور بنام قطب شاه صادر فرموده
بودند قطب شاه بخلاف آن بعمل آورده پسر میر جمله را مقید
ساخت و باز حکم خلاصي او روانه نمودند و فائده بر عکس بخشید
و بر محمد امین پسر او زیاده تقید گردید و اسپان و اموال آنها را
بضبط در آورد و پادشاه زاده محمد اورنگ زیب نیز درین ماده
احکام تهدید آمیز نوشتند آخر کار گه فائده نداد میر جمله بحضور
معروض داشت بعد عرض بار دیگر فرمان نصائح آمیز مصحوب
جبار بیگ و عزیز بیگ گرز برداران صادر شد و بپادشاه زاده در
فرمان درج فرمودند که اگر چه اغلب آن کوته اندیش قبل از رسیدن
گرز برداران از راه خطا باز گشت نموده از خلاصي پسر میر جمله
و روانه نمودن آنها بحضور استرضای ما حاصل کرده باشد و الا بعد
ورود حکم جدید و تاکید شدید اطاعت امر خواهد نمود اما درصورت
مصر بودن بران طریق ناصواب باید که آن فرزند تعین فوج نموده
بل خود عازم تنبیه اوگشته بجزای کردار رساند و احکام رفاقت شاهزاده
بنام شایسته خان ناظم مالوا و افتخار خان و دیگر راجهای اطراف
صادر شد - چون قطب شاه باوجود ورود فرامین و نشان پیهم تن
باطاعت نداد و دست از مقیدان بر نداشت پادشاه زاده محمد
اورنگ زیب اوائل ربیع الاول سال بیست و نهم جلوس سلطان محمد
را با بسیاري از بندهاي درگاه آسمان جاه بروایتی بشهرت کدخدائی
با صبیهٔ شجاع که در بنگاله بود روانه فرمودند و خود پادشاه زاده نیز
بشهرت شکار طرف قندهار متوجه شد - بعد رسیدن سلطان محمد که
غافل نزدیک بولایت گلکنده رسید ابتداء عبد الله خان قطب شاه

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

بفکر تهیهٔ ضیافت پرداخت بعده که از نزدیک رسیدن هراولان با مصالح و استعداد جنگ آن مست بادهٔ غفلت هشیار گردید سراسیمهٔ کار و بار خود گشته سوای اطاعت امر فائدهٔ مآل کار ندانسته محمد امین را با والدهٔ او و بعضی اجناس نزد سلطان محمد فرستاد و در جواب فرمان پادشاه و نشان پادشاه زادهٔ کامگار بخدمت شاه زادهٔ نامدار عذرهای نا مسموع دور از رویهٔ کارنوشت محمد امین که نزد پادشاه زاده رسید نالش زیاده نمود و خبر پایمال شدن اکثر پرگنات سرحد از دست اندازی لشکر و تسلط رسیدن سیلاب افواج پادشاهی در اطراف بقطب شاه رسید و نزول سلطان محمد سه کروهی گلکندهٔ واقع شد تزلزل تمام دران مرز و بوم افتاد پای ثبات عبد الله شاه از جا رفت و شهر حیدرآباد را گذاشته با فرزندان و عیال و مال و خزانه و جواهر هرچه توانست در یک روز برداشته خود را بقلعهٔ گولکنده رساند و اما از اجناس سنگین مثل قالین و چینی آلات و دیگر اقمشهٔ قطب شاه و امرا و تجار آن قدر در شهر و حویلیها ماند که از اندازهٔ حساب بیرون بود اگرچه پنج هزار سوار و چند هزار پیادهٔ برقندار همراه موسی محلدار برسر حویلیها گذاشته بودند اما آخر کار همه بتاراج رفت و در ابتدای زد و خورد تاراجیان محمد ناصر نام که مادهٔ فساد مضرت حال میرجمله همان بود با صندقچه جواهر و نامهٔ عذر آمیز بخدمت پادشاه زاده رسیده التماس منع تاراج نمود درین ضمن چون مردم سلطان محمد بدست اندازی اطراف پرداخته بودند و سواران و برقندازان عبد الله شاه برای ممانعت بشوخی

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

پرداختند صدای دار وگیر بلند گردید و مردم قطب شاه مغلوب ومقتول و زخمی گشتند - ازانکه خیمهٔ سلطان محمد بر سر تالاب حسین ساغر (ساگر) بود و صدای زد و خورد بگوش سلطان میرسید حکم مقید ساختن محمد ناصر مع همراهان نمود و برای ضبط اموال قطب شاه و محافظت مال رعایا تاکید فرموده محمد بیگ نام را باجمعی برای منع آتش زدن و تاکید غارتگران مقرر نمودند - اگرچه بعد از سوختن بعضی محلها باقی شهر محفوظ ماند اما دست تاراجیان از مال وغارت کوتاه نگردید - دربن مابین میر عبداللطیف حاجب پادشاه زاده که در گلکنده می بود بافیلان سوسی محلدار و دیگر اسباب آمده برفاقت حکیم نظام الدین ملازم عبدالله شاه ملازمت نمود و صندوقچهٔ جواهر با دو فیل و دو اسپ با ساز طلا و نقره از طرف خود گذراند - سلطان محمد بمحمد امین پسر میر جمله امر نمود که باجمعی از مردم ضابط خود و پادشاهی رفته اسپان و دیگر چارپا مع اسپان قطب شاه که در حویلی است بضبط قید و قلم در آورده مردم معتمد برای چوکی ومحافظت بگذارد - و فرمودند که تا مستورد ساختن مال و اسباب میر جمله حکیم نظام الدین را نیز با محمد ناصر در قید آورده نگاهدارند - بعده قطب شاه باز دو فیل و شصت اسپ و قدری جواهر و دیگر اشیای میر جمله فرستاده پیغام اظهار ندامت و عذر خجالت بمیان آورد - و نیز از زبان بعضي ظاهر شد که عبد الله شاه برای طلب کومک و امداد و معاونت بعادل شاه و زمینداران عمدهٔ نواح نوشته مردم سریع السیر دوانده و باستحکام برج و باره می پردازد تا آنکه پادشاه زاده

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

محمد اورنگ زیب هشت کروهی گلکنده در هتهٔ میرجمله رسیده روز دیگر سوار شده باطراف قلعه برای تعین مورچال و تعین خیمهٔ دولت خانه متوجه شدند - درین آوان خبر رسید که هفت هشت هزار سوار و ده دوازده هزار پیادهٔ برقنداز بسرداری موسی خان اطراف لشکر بشوخی تمام رسیده اند و از بالای قلعه گولهٔ توپ و تفنگ و بان متصل هم می آید سلطان محمد را پیغام فرمودند که با فوج سوار شده طرف چپ مستعد باشد و بدفع مفسدان آن طرف پردازد و از هر جانب بهادران قلعه کشا در مقابل حملهٔ دکهنیها تردد نمایان بظهور می آوردند و تا شام شعلهٔ جنگ زبانه می کشید و جمعی از مردم بادشاهزاده بکار آمدند و زخم برداشتند و برخی از مردم کاری قطب شاه کشته و زخمي گردیدند و بادشاه زاده نماز عشا بخیمهٔ خود آمده ادا نموده به تیمار و مرهم داری بعضی نوکران نامی که مجروح گشته بودند پرداخته روز دیگر مورچال اطراف بامرای کارزار دیدهٔ رزم آزما سپردند - میرزا خان و کار طلب خان و کیسر سنگه و دیگر بهادران کار طلب به تدبیر کندن نقب و دواندن مورچال پرداختند درینولا قطب شاه میر فصیح نام را با چهار صندوقچهٔ جواهر و مرصع آلات و سه زنجیر فیل نامی کلان و چند اسپ باساز طلا و غیره اشیا فرستاده معروض داشت که برای معذرت و التماس عفو جرائم مادر خود را مع پیشکش لائق میفرستم اگرچه بعد از التجای قطب الملک مردم پادشاهي را از دواندن مورچال و زدن توپ ممنوع ساختند اما میر فصیح را بار ملازمت

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

نداده اشیای مرسوله را قبول نفرمودند - و روز سیوم آن جمع کثیر همراه جبار بیگ خراسانی و دیگر نوکران جاهل پیشهٔ قطب شاه طرف مورچال میرزا خان نمودار گشتند مردم این طرف خبردار شده بسرداری مالوجی دکهنی بمدد میرزا خان خود را رساندند و زد و خورد نمایان از طرفین بظهور آمد و جمعی از هردو طرف کشته و زخمی و اسیر گردیدند و یک زنجیر فیل با چند اسیر که دستگیر مردم پادشاهی شده بود نزد پادشاه زاده آوردند - میر عبد اللطیف را برای آوردن میر جمله که در کرناتک بود باجمعی تعیین نمودند - درین ضمن بعرض رسید که هفت هشت هزار سوار و بیست هزار برقنداز کرناتکی طرف جنوب رو معرکه آرا گشته اند خود بدولت سوار شده بمقابل آن فوج متوجه شدند و ازان طرف بزدن بندوق و بان از بالای قلعه و بسر دادن توپ و تفنگ و انداختن سنگ و بان و دیگر آتشبازی پرداختند و از طرفین صدای داروگیر بلند گردید و جوانان نبرد خو و پردلان جنگ جو از باریدن تیر بلا اندیشه ننموده مقابل گوله و بان حملهای مردانه آورده طریقهٔ جان نثاری را کار فرمودند - خصوص شیخ میر و محمد بیگ میر آتش داد مردانگی دادند و دکهنیها را از مقابل برداشتند و جمع کثیر از طرفین نقد هستی بباد فنا دادند و زخمی گشتند و مکرر مردم قلعه مغلوب گشته باز اقدام بمقابله و مقاتله می نمودند تا آنکه سر لشکر آن جماعه سید مظفر و جبار بیگ و شرزه خان رو بفرار آوردند و بشیخ میر و محمد بیگ که از سرداران نامی پادشاه زاده بودند زخم تیر و تفنگ رسید - و پادشاه زاده برای مورچال

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

و سد راه آنها مردم کاری گذاشته خود بذیره تشریف بردند - و روز دیگر زمیدار چانده بمدد رسید - و روز دویم آن میرزا احمد داماد قطب شاه بخدمت سلطان محمد آمد و برای عفو تقصیرات ملتجی گردید ؛ اما از جواهر و فیل که همراه آورده بود قبول ننموده تا انفصال معامله موقوف داشتند - درین فرصت شایسته خان و افتخار خان و نصیر خان رسیده بافواج پادشاهی ملحق گشتند و مورچهای سابق را تغیر داده از سر نو جابجا امیران کار دیده مقرر نمودند - درین ضمن از حضور حضرت اعلی منشور نوازش گنجور مع خلعت و جمدهر و شمشیر مرصع برای پادشاه زادهٔ والا گوهر و منصب هفت هزاری ده هزار سوار برای سلطان محمد و فرمان عنایت عنوان مشتمل بر عفو تقصیرات و خطا بخشی بنام قطب شاه درجواب عرضه داشت او رسید پادشاه زاده فرمان قطب شاه را تا انفصال مقدمه پنهان داشت و در افشای آن مصلحت ندانست - و بندگان جان نثار کار طلب روز بروز درپیش بردن مورچال شرط تردد بجا آورده کار بر محصوران تنگ آوردند - و هر روز جمعی از نوکران قطب شاه بامید بندگی درگاه پادشاه رسیده شرف اندوز ملازمت می گردیدند - و تفرقهٔ تمام بحال قطب الملک راه یافت و میر احمد و میر فصیح را بوسیلهٔ اظهار ندامت و عذر باز گشت از اطوار ناهنجار سابق و اطاعت آینده و ادای پیشکش باقی سابق و حال هرچه بفرمایند و التماس پیغام وصلت صبیهٔ خود با سلطان محمد بار دیگر فرستاده ده فیل و دیگر اسباب و ظروف طلا و نقره بابت میر جمله مع عرضه داشت متضمن

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

بتهنیت منصب سلطان محمد با دو فیل و چهار اسپ مع ساز طلا و
نقره بنام شاهزاده رسید و درخواست ماذون فرمودن و آمدن والدۂ قطب
شاه مع لوازم نسبت بار دیگر بمیان آوردند - و شایسته خان را مامور
فرمودند که استمالت نامه از زبان سلطان محمد و خود بنویسند -
و قبل از رسیدن استمالت نامه والدۂ قطب شاه روانه شد همین که
خبر از دروازه برآمدن رسید میر ابو الفضل معموری را همراه
میرزا احمد داده باستقبال فرستاده اول بدیرۂ شایسته خان فرود
آوردند و روز دیگر بخانۂ سلطان محمد آمده بوساطت بیگمان شاه
زاده را ملاقات نموده دو فیل و دو اسپ با ساز مرصع و طلا گذرانید -
بعده که بخدمت پادشاه زاده کامگار آوردند هزار مهر و پنج اسپ
و پنج فیل نر و ماده مع ساز طلا و نقره پیشکش قبول افتاد -
و برای عفو جرائم و تعین کمیت وجه پیشکش برای پادشاه و قبول
وصلت گفتگو بمیان آورده یک کرور روپیه نقد و جنس پیشکش
حال که باقی پیشکش سابق در مدت دو سال باقساط ادا نماید و تعین
تاریخ نسبت مقرر نموده بقلعه مراجعت نمود - و از شهرت مصالحه
مردم مورچال از مکان خودها برآمده بخاطر جمعی تردد می نمودند -
دربنولا میر اسد الله خان بخاري عرف میر میران خالي از وسواس
بجای ضرور میرفت گولۂ زنبورک از بالای قلعه ناگهانی بمیر
اسد الله رسید و درآن واحد کار او تمام شد و علاوه جمعي کثیر از
دکهنیهاي جاهل که از اطراف با مصالح جنگ برای مدد رسیده
بودند و از صلح خبر نداشتند بسر گروهی کوتوال گلکنده که برای طلب
آن جماعه رفته بود ده کروهی رسیده دست تعدي و غارت و قتل

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

بر مردم کهي دراز نمودند و سپاه همراه بدفع مضرت آنها پرداختند و نائرهٔ قتال و جدال بلند گردید و کار بجائي رسید که تمام لشکر شایسته خان و دیگر امرا بی آنکه به پادشاه زاده و سرداران خبر شود قریب شش هفت هزار سوار و پیادهای بي شمار بقصد پیکار و مدد مردم کهی رسیدند و هر ساعت شعلهٔ دار و گیر اشتعال می گرفت هر چند سرداران هر دو طرف در منع و دفع آن فساد می کوشیدند فائده نمی بخشید و تا آخر روز جمع کثیر از هر دو طرف نقد جان بباد فنا دادند و تمام شب بر اسپان و فیلان مستعد کارزار بوده از دور تفنگ بر هم دیگر می زدند صبح نا شده باز بازار پیکار گرم گردید و مکرر پیهم مردم عمده و شتر سوار و اسپ سوار از طرف قطب الملک براي دفع فتنه می رسیدند اما ممنوع نمیگردیدند و هر بار دکهنیهای جاهل مغلوب می گردیدند باز فراهم آمده مستعد کارزار می گشتند تا شب دویم مردم بسیار از مردم پادشاهی بکار آمدند و آدم زیاد دکهنیها کشته و زخمی گردیدند و جنگ قائم بود بعده جا بجا متفرق شدند - درین حالت خبر رسیدن میر جمله همراه میر عبد اللطیف که براي طلب او رفته بود نزدیک گلکنده رسید قاضي عارف بموجب امر پادشاه زاده فرمان و خلعت که از حضور برای میر جمله آمده بود برده برای آداب تسلیمات و ملازمت پادشاه زاده راه نموني نمود و میر جمله استقبال کرده موافق دستور هندوستان و قاعده دانان هند فرمان گرفته و خلعت پوشیده بخیمهٔ خود مراجعت نمود بعد تعین ساعت و رسیدن نصیر خان و میر شمس الدین و مالوجی باستقبال آمده

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

پادشاه زاده را ملازمت نموده سه هزار ابراهیمی طلا با دیگر تحف
نثار و نذر گزراند - خلعت وجیغه و جمدهر مرصع و دو اسپ با ساز
طلا و دو فیل مع ساز نقره عطا نمودند و حکم نشستن فرمودند و
بانواع لطف امیدوار ساخته بخلوت برده کلمه و کلام مصلحت
بمیان آورده مرخص نمودند - روز دیگر حکم فرمودند که مور چال
از پای حصار قلعه بردارند - و قاضی میر عادل را همراه شیخ
نظام برای عقد بقلعه فرستاده جیغه و تسبیح مروارید و دو فیل
بایراق و جل زربفت برای قطب الملک حوالهٔ شیخ نظام نمودند
و قطب الملک تا دروازه استقبال نموده فرستادها را در مکان خوب
فرود آورده آنچه رسمیات شادی عروسی بود بجا آورد - روز دیگر
بعد فراغ عقد قاضی را مع همراهان مرخص نموده چهارده لک
روپیه جواهر همراه عروس با لوازم دیگر نموده مع سرکار رام گیر که
بسرحد برار و بیدر پیوسته است نیز در جهاز دختر دادند - و اواخر
جمادی الاولی که معرکه ارائی رزم بمجلس بزم مبدل گردید بعد
فراغ شادی و انعام امرای همرکاب فرمان عطوفت آمیز پادشاه
برای قطب الملک فرستادند و او استقبال نموده شرط آداب بجا
آورده گرفت بعده پادشاه زاده بخانهٔ میر جمله تشریف بردند او
یک قطعه الماس ناتراشیده و دو لعل و نه زمرد و شصت دانهٔ
مروارید و یک نیلم و پنج فیل نر و یک زنجیر ماده بازین طلا و
یراق نقره و پنج اسپ برای پادشاه زاده سوای آنچه که بسلطان
محمد و سلطان معظم گذراند پیشکش نمود - اوائل رجب بفر
و فیروزی طرف خجسته بنیاد کوچ فرمودند و شایسته خان را

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

با دیگر امرا و زمیداران که از اطراف و صوبجات براي کمک رسیده
بودند بعطای خلعت و جواهر و اسپ و فیل معزز ساخته
بمکانهای آنها مرخص ساختند - و شاه بیگ خان را با سه هزار سوار
برای وصول زر پیشکش و محافظت ملک از دست اندازی لشکریان
و مفسدان واقعه طلب در سرحد نگاهداشتند - درین ضمن فرمان
حضور مشتمل بر عنایت منصب پنج هزاری چهار هزار سوار و
خطاب معظم خان و خلعت خاصه مع جمدهر مرصع وپهول کتاره
و علم و نقاره مع حکم طلب حضور بنام میر جمله همراه گرز
بردار رسید - و معظم خان آداب بجا آورده در رکاب پادشاه زاده همراه
گردید همه جا شکار کنان قلعهٔ قندهار و اودگیر را ملاحظه نموده
اوائل شعبان داخل خجسته بنیاد شدند و بعد عرض تردد پادشاه زاده
اضافهٔ پنجهزاری دو هزار سوار دو اسپه و سه اسپه که از اصل و
اضافه شش هزاری پنج هزار سوار باشد مرحمت نمودند - و
شایسته خان را بخطاب خان جهان بهادر و از اصل و اضافه شش
هزاری پنج هزار سوار مفتخر ساختند - چون عرضه داشت
قطب شاه متضمن بر اظهار فدویت و پریشانی بعرض رسید
بیست لک روپیه بابت تفاوت نرخ و غیره از جملهٔ پیشکش سابق
منجملهٔ پیشکش حال محسوب نموده معاف فرمودند ٭

چون حقیقت ظلم و تعدی محمد امین متصدي بندر
سورت بعرض رسید از منصب و جاگیر و خدمت برطرف فرموده
حکم مع گرز بردار برای محبوس ساختن و بحضور آوردن او صادر
فرمودند - و براي ادای زر وحق بهتم رسیدها متاول شدید

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

تعین نمودند و روشن ضمیر واقعه نگار را که بکمال صوري و معنوی آراسته بود متصدی سورت مقرر فرمودند (124) چون میر جمله

---

(124) از ابتدای سطر ۱۹ صفحه ۷۵۰ تا اینجا عبارتی که مندرج است بعوض ان در یک نسخه این عبارت است *

چون حقیقت تعدی و ظلم محمد امین متصدی بندر سورت در تشخیص جمع مال و دیگر ابواب بعرض رسید از منصب و جاگیر بر طرف فرموده گرز بردار تعین نموده طلب حضور نمودند بعده که ملازمت نمود حکم شد که سر دیوان مار در آستین او سر دهند آنروز وکلای او هر چند که اطراف برای نجات او دویدند فائده نه بخشید تا آنکه بمتصدیان بادشاه بیگم که بندر سورت در تنخواه او بود رجوع آورده بهزاران عجز و الحاج رقعه خلاصی جان او بنام بادشاه حاصل کردند بعده که رقعه بیگم بمطالعه خاص در آمد او را حکم حبس فرموده بیدماغ داخل محل شده بادشاه بیگم را نزد خود طلبیده فرمودند که باوجود بندر سورت در اقطاع آنچشم و چراغ سلطنت مقرر است و رعیت مالگذار که باعث آبادی ملک و مزید خزانه و افزونی لشکر بادشاهانست آن فرزند چگونه باین بدنامی ظلم آن ناپاک راضی می شود که برای اظهار حسن تردد اضافه آوردن بمرتبه در تشخیص مال سختي نموده که رعایا ناچار گشته فرزندان خورد سال را بنصرانیها فروخته اداي محصول نمودند بندر سورت جاي تردد مردم هفت اقلیم است خبر که ببادشاهان اطراف رود براي ما بدنامی آن علاوه

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

نزدیک بحضور رسید دانشمند خان بخشی را فرمودند که باستقبال
رفته بحضور بیارد و بعده که ملازمت نمود یک خوان اشرفی
و دو خوان جواهر و دیگر اجناس نذر گذراند و از اصل واضافه
شش هزاری شش هزار سوار نموده خطاب معظم خان مع وزارت و
قلمدان مرصع و شمشیر و دو فیل و دو اسپ خاصه باساز و یراق
طلا و نقره و پنج لک روپیه عطا فرمودند - و اسد خان را از اصل و
اضافه دو هزاری و هشت صد سوار نمودند - و محمد امین پسر
میر جمله که از عقب رسیده ملازمت نمود بمنصب دو هزاری و

ناخشنودی خدا خواهد گردید بعده که نواب قدسیه برین بیداد
آن برگشته طالع اطلاع یافت زبان از شفاعت او باز داشت - آری
بادشاهان عادل را چنین بحال رعایای ستم رسیده باید پرداخت

* بیت *

مده رخصت ظلم درهیچ حال * که خورشید ملکت نیابد زوال
خرابی زبیداد بیند جهان * چو بستان خورم زباد خزان
بازار مظلوم مایل مباش * زدود دل خلق غافل مباش

روز دیگر که بادشاه عدالت اساس رعیت پرور دیوان فرمود حکم
باحضار آن نامه تباه و مارگیر نمودند درینضمن راجه رگهناتهه
که نیابت وزارت داشت و وکلای آن بدعاقبت از طرف نواب
بادشاه بیگم نیز مایوس شده بدو رجوع آورده باهزاران عجز و زاری
برای رفع بلائی آن مبتلا بانواع بلا سماجت از حد گذرانده بودند
بخدمت بادشاه دادگر عدالت گستر برقابوی وقت بعرض رساند

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

خطاب خانی سرافرازی یافت . معظم خان قطعه الماس بوزن دو صد و شانزده سرخ بقیمت دو لك و شانزده هزار روپیه و شصت فیل مع یراق پیشکش نمود و جمله نذر و پیشکش سابق و حال پانزده لک روپیه بقیمت در آمد *

چون از دختر شه نواز خان که در خانهٔ پادشاه زاده محمد مراد بخش بود فرزند متولد نمی‌شد دختر امیر خان را برای پادشاه زاده نسبت مقرر نموده لک روپیه جهاز از سرکار داده روانهٔ احمد آباد ساختند و پادشاه زاده را دو لک روپیه انعام از خزانهٔ بندر سورت

که اگرچه در ماده چنان بدبخت ظالم هرکه التماس شفاعت نماید اول سزاوار عقوبت اوست اما چون مبلغ خطیر حق رعایا که برو نالش دارند بر ذمه او طلب است و مبلغها مطالبه بادشاهی ازو باز یافت باید نمود بدون وصول زر مظلومان و اداء مطالبه سرکار در کشتن او تامل لازم است حکم شود که بعد ازو اصل ساختن حق ستم رسیده‌ها و زر بادشاهی اورا بپاداش اعمال او رسانم التماس او بدرجه قبول در آمد و فرمودند که بسزاولی محصلان شدید حواله راجه رگهناتهه نمایند که بغور تحقیق حق رعایا رسیده بآنها رساند درینصورت في الحال باعث فرونشستن آتش غضب بادشاه و جان بخشی آن بدکردار مردم آزار گردید و دیگرانرا عبرت حاصل شد ازین مقوله حکم سیاست و ترددی که در پرداخت حال رعایا و آبادي ملک از ان بادشاه رعیت نواز بظهور آمده بسیار مسموع گردیده بعده که مدار جمله معظم خان بحضور رسیده الخ *

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

عطا فرمودند از اصل و اضافه بمنصب پانزده هزاری دوازده هزار سوار دو اسپه و سه اسپه معزز ساختند *

چون بعد تیاری قلعه و حصار دار الخلافت امر بساختن مسجد عالی که چنان مسجد در ممالک محروسهٔ هندوستان از ابتدای اسلام بنا نیافته و صنعت آن بتحریر آوردن تحصیل حاصل است هرکه دران مکان با فیض رسیده میداند که معماران هنرمند چه کار کرده اند نموده بودند بسرکاری و اهتمام سه چهار امیر مثل خلیل الله خان و جعفر خان و سعد الله خان و روح الله خان درمدت شش سال بخرچ ده لک روپیه با تمام رسالهٔ ع

قبلهٔ حاجات آمد مسجد شاه جهان

تاریخ اتمام آن یافته اند *

چون بعرض رسید که علی عادل شاه بیجا پوری ازین سرای فانی انتقال و ارتحال بدار البقا نموده و ازو وارث ملک نمانده مگر سکندر نام مجهول النسب که او را بجای پسر پرورش نموده و امرای بیجاپور او را بسلطنت برداشته اند و بعضی با او موافقت ندارند به بادشاه زاده محمد اورنگ زیب حکم صادر شد که خود را به بیجاپور رسانده ملک و قلعهٔ آنجا را بتصرف خود آورد۔ و معظم خان را از حضور برای معاونت آن مهم مرخص ساخته فرمودند که مهر وزارت حوالهٔ محمد امین خان پسر خود نماید که بموافقت رای رایان در اجرای کار ملکی ومالی پردازد۔ و مهابت خان و خان جهان و نجابت خان و شاه نواز خان و غیره از حضور وصوبجات زیاده از صد امیر نامی و روشناس کم منصب

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

همراه پادشاه زاده تعین فرمودند - محمد امین خان را از اصل و اضافه
سه هزاری هزار سوار نمودند و خان جهان را فرمودند که تا مراجعت
پادشاه زاده از مهم بیجاپور در اورنگ آباد باشد - بهمه امرا وقت
رخصت خلعت و اسپ و جیغه و شمشیر عنایت نمودند و معظم خان
را از روز ملازمت تا تاریخ رخصت پنج لک روپیه نقد سوای جواهر
و اسپ و فیل مرحمت فرمودند چون در دار الخلافت اثر وبا و طاعون
ظاهر شد و روز بروز شدت او می افزود و در باب بر آمدن از فضلا که
استفسار فرمودند بروایت مختلف عرض نمودند آخر مصلحت بران
قرار یافت که بطریق قصد شکار کلنگ کنار گنگ تشریف برده
چندگاه تفرج کنان و داد دهان و شکار افگنان بسر بردند -

ذکر سوانح سال سي و یکم از جلوس صاحبقران ثاني مطابق سنه هزار و شصت و هفت هجري

جشن آغاز سال سی و یکم مطابق سنه هزار و شصت و هفت
هجري اول ماه جمادی الاولی زیب و زینت یافت و از امرا و
علما و شعرا هر یکي فراخور پایه و مراتب قسمت کامروا و فیض یاب
گردیدند و ارباب طرب دامن دامن زر سرخ و سفید ذخیره اندوختند -
پنجاه و هفت فیل پیشکش قطب شاه با تحف دیگر از نظر
گذشت سه لک و هشتاد هزار روپیه بقیمت در آمد - پنج کرور دام
در انعام بپادشاه زاده دارا شکوه مقرر نمودند جمله از سابق و لاحق
شصت کرور دام تنخواه گردید - صوبهٔ کابل از تغیر بهادر خان برستم
خان مقرر فرمودهٔ اضافهٔ هزار سوار مرحمت نمودند - بعد رسیدن
حکم مهم بیجاپور پادشاه زاده محمد اورنگ زیب تا رسیدن

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

خان‌جهان عرف شایسته خان بسرانجام و تهیهٔ مهم پرداخت بعده
که بعضی امرای کومکی بپادشاه زاده پیوستند پادشاه زاده با
سرانجام توپخانه برآمده برای تسخیر قلعهٔ کلیانی و دیگر قلاع توابع
بیجاپور کمر بسته در اندک مدت بتسخیر در آورد بعد ازان بعزم
تسخیر بیجاپور متوجه شدند چون از کلیانی عبور نمودند فوجهای
بیجاپور از هر طرف بدستور قزاقان نمودار شده بعد از زد و خوردی
که بمیان می آمد فرار می نمودند تا بپای حصار رسیدند جا بجا
امرای رزم دیدهٔ کار طلب برای نقب زدن و مورچال پیش بردن
مقرر شدند و محصوران باستحکام برج و باره پرداخته بزدن توپ
و تفنگ و انداختن بان و سنگ و دیگر آلات آتشبازی پرداختند و
هر روز جمعی از هر دو طرف بدم تیغ و سنان می آمدند و مردم
قلعه بر آمده بر مورچال می ریختند آدم و چارپا ضائع می ساختند
و آنچه دران محاصره ازان پادشاه زادهٔ با فرهنگ و امرای با نام
و ننگ ترددات نمایان بعرصهٔ ظهور آمده بتحریر تفصیل آن قلم
را رنجه داشتن بطول کلام منجر می گردد - حاصل کلام بعد ازان که
کار بر محصوران تنگ گردید پیغام اظهار عجز و پیام امان بمیان
آوردند و قبول مبلغ کرور روپیه بطریق شکرانهٔ شفع جرائم کرده
و ناکردهٔ خود ساختند - درین ضمن اخبار موحش از عارضهٔ حبس
بول پادشاه و بر هم خوردن نسق حضور و طلب بعضی امرا در
دار السلطنت انتشار یافت ناچار کار بصلح انجامید تا آنکه از
نوشتجات وکیل بثبوت پیوست که امرای همراه پادشاه زاده محمد
اورنگ زیب بتجویز دارا شکوه که از سابق هم ولی عهد صاحب اختیار

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

بود و بعد عارضهٔ بدني پادشاه زمام نسق سلطنت به پنجهٔ
اقتدار او در آمد طلب حضور گردیدند لهذا بعادل شاه بیجاپور
بقبول پیشکش مذکور دار و مدار نموده از پای قلعهٔ بیجاپور برخاسته
متوجه خجسته بنیاد اورنگ آباد گردیدند *

دیگر مخفی نماند که فرقهٔ گرز بردار سابق جدا نبود از نوکران
روشناس که درجلد روی وتیز روی شهرت داشتند برای طلب امرای
سرکش و زمینداران مفسد و رساندن فرامین تعین می گردیدند مگر
درعهد جهانگیر پادشاه برای روز شکار سه چهارگرز بردار که گرزهای
فولاد هشت پهلو داشتند در رکاب حاضر می بودند از اوائل عهد
صاحبقران فرقهٔ گرز بردار بتفریق گرز طلا و نقره مقرر گشتند و
فرمودند که سوای مردم توران از قوم دیگر داخل گرز بردار ننمایند -
خربزهٔ سرده که در هندستان اصلا نمي کاشتند در عهد سنهٔ پانزدهم
جلوس اعلی حضرت ابتداء محمد رضای خراساني در نواح
شاه جهان آباد تخم خربزه کاشت و زمین موافق آمد و از عطای
خلعت و دیگر عنایات پادشاهي مفتخر گردید *

بر عقلا ظاهر است که اگرچه در ملک گیري استقلال
به از محمد اکبر پادشاه رونق افزای سلطنت هندوستان در تیموریه
نبوده اما در بندوبست و نسق فراهم آوردن خزانه و آباد کاری
ملک و قدرداني سپاه و رفاه لشکر به از شاهجهان پادشاه در عرصهٔ
پر وسعت هندوستان فرمان فرمای نگردیده سوای خرچ لازم و ملزوم
سلطنت و آنچه بخرچ عمارات و قلعه و مساجد شاه جهان آباد
و دیگر بلاد و بانعام ایلچیان و مهم قندهار و بلخ که آخر رایگان

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

رفته در آمده بیست و چهار کرور روپیه و از جنس اشرفي سوای
طلا و نقرهٔ غیر مسکوک و ظروف طلائی و نقرئي و جواهر که
تخمینا تا پانزده شانزده کروران نیز می شد مانده بود - و در رعیت
پروری و عدم تعدی حکام تقید تمام داشت *

و آنچه در شاه جهان‌نامه از تفصیل منصب پادشاه زادهای والا
گهر و امرای عظیم الشان درج است فقرهٔ چند بزبان قلم میدهد *

دارا شکوه بپایهٔ چهل هزاری و بیست و پنج هزار سوار دواسپه
و سه اسپه رسیده بود *

پادشاه زاده محمد اورنگ زیب و شجاع هردو بمنصب
بیست هزاری پانزده هزار سوار سرافرازي داشتند *

و مراد بخش از پایهٔ پانزده هزاری تجاوز ننموده بود *

و پادشاه زادها را تا خدمت نمي فرمودند یومیه مقرر
می داشتند بعده که بمهمي مامور می گردیدند بمنصب سرافرازی
می یافتند مگر دارا شکوه که از بسیاري محبت شاه جهان پادشاه
اورا از خود جدا نمی نمودند بعد از انکه محمد شجاع بمهم دکن
مامور گردیده تسلیم منصب نمود در عالم همچشمی که کلان تر
از همه برادران بود رقت کنان از سر دیوان برخاست لهذا ناچار
بدون آنکه بخدمتی مامور گردد منصب عطا نمودند - و از جمله
امرای بیش منصب زیاده از چهار نفر شاه‌جهان پادشاه هفت
هزاری نمی نمودند بعده که یکی ازین چهار و دیعت حیات
می نمود دیگری را بدین منصب سرافرازی میدادند چنانچه
که در ایامی که عارضهٔ حبس بول و شورش سلطنت روداد چهار

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

نفر که بمنصب هفت هزاری بتفصیل ذیل سرافرازی داشتند همه مرحله پیمای سفر آخرت گردیده بودند و هیچ یک از امرای مقرب عوض آنها بپایهٔ هفت هزاری نرسیده بود - جملة الملک سعد الله خان و علیمردان خان سپه سالار و سعید خان بهادر و اسلام خان - و شش هزاری از شش نفر زیاده نبودند رستم خان بهادر خان جهان و اعظم خان و معظم خان و میر جمله و خسرو خان ولد نذر محمد خان و مهاراجه جسونت - و هفده نفر بپایهٔ پنج هزاری رسیده بودند شاه نواز خان صفوی و مکرمت خان صفوی و قلیج خان بهادر و جعفرخان وخلیل الله خان ومهابت خان و اعتقاد خان و بهادر خان روهیله و نجابت خان و اله وردی خان و بهرام خان ولد نذر محمد خان و میرزا راجه جیسنگه وراجه جگت سنگه و رانا راجسنگه و مالوجی بهوسله و راجه بیتهل داس و راجه رام سنگه - و چهار هزاري از چهارده نفرزیاده نبودند و سه هزاری و پانصدی یک نفر بود - و سه هزاری چهل و هفت نفربودند و هزار و پانصدی بیست نفر و هزاري پنجاه و نه نفربودندکه بتحریر تفصیل آن نمي پردازد *

درینصورت عقلاي دانش پژوه و سخن سنجان گنج معاني نظر بر بندوبست سلطنت سابق در رویه اختلال نسق حال که تعداد برنا یعني جوان هفت هزاري و شش هزاري مراتب نویسان حضور و محرران بخشیان عظام اطلاع ندارند تا بدیگران چه رسد انصاف نمایند که هرگاه نه محال خالصه ماندهٔ و نه پاي باقی یافته مي شود و نه زر درخزانه فراهم مي آید بیش منصبان

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

غير مشهور و ريزه منصبداران نا محصور كه از اندازهٔ شمار بيرونند فائدهٔ لب بشكوهٔ بي جاگيري و نيافتن نقدي كشودن معلوم مگر آنكه پا بدامن صبر پيچيده بنام منصب بي ثمر قانع باشند *

القصه چون ذكر خاتمه و قلع سلطنت فردوس آشياني شاه جهان پادشاه بتحرير مقدمهٔ آغاز جلوس خلد مكان موقوف است الحال عنان كميت خامهٔ تيز رفتار را بتذكار سلطنت خلد آرامگاه محمد اورنگ زيب عالمگير معطوف مي سازد *

تمام شد

حصه اول منتخب اللباب



CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri